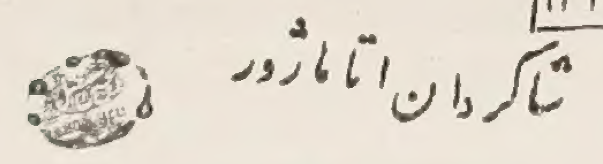




درس تاکتیک

بجهت


شاگردان اتاماژور

از تصنیفات

عالیجاه البرفوریک دولسو

و ترجمه

عالیجاه کریم خان

جزو اول

۱۲۹۲

باهتمام عالیجاه میرزا شفیع تبریزی سمت طبع پذیرفت

هو الله تعالی شانه العزیز

حسب الامر اعلیحضرت قدر قدرت و شوکت شاهنشاه اقدس
کل ممالک محروسه ایران السلطان ناصرالدین شاه قاجار
خلدالله ملکه و سلطانه و اجازه جناب مستطاب اجل اشرف
اکرم حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم دام اقباله
العالی بجهة تحصیل شاگردان اتاماژور که در مدرسه جدید مبارکه دولتی
مشغول تحصیل علم نظام هستند این کتاب تاکتیک سمت تحریر یافت.

عباس خانه زاد
دولت علیه

مسیو لسو
معلم.

ابتياع اين كتاب [illegible]

در ايام [illegible]

ميرزا [illegible]

[illegible] مظفر الدين [illegible]

[illegible] ايران [illegible]

[illegible]

فهرست — صفحه

فهرست — صفحه

اندازه جلد: ۲۲×۱۶/۵
اندازه ورق: ۲۱/۸×۱۵/۸

بسم الله الرحمن الرحیم

تاکتیک فن مرتب کردن قشونست بجنگ و تعیین مقام آنها و نیز حرکت دادن آنهاست
هر نوع که مقتضی شود فن تاکتیک را نتوان مانند جبر و مقابله و هندسه آموخت در تحت قاعده
ثابت و غیر متغیر رفت بلکه تا حتی کرده اند بقواعدی که هر گاه ملاحظه کنیم متعلق است باعمالی که در جنگهای
متعدده سابقه بکار برده اند و مع ذلک در خاطر هم که در بعضی مواقع تغیرات دیگری حاصل آید ولی
کسی که قواعد تاکتیک را خوب فهمیده اند در اعمال مشق فوق کافی دارد و بتدابیر خود رفع تغیرات را
خواهد کرد و در جنگ اجزای مختلفه قشون و فواید متعلقه هریک را ملاحظه باید نمود

در مقدمات تاکتیک قشون

مقدمات تاکتیک عبارتست از اجزای قشون که بکار برند اعمال مخصوص متعلقه خود را در جنگ اجزای قشون
عبارتست از پیاده و توپخانه و سواره و معدودی از مهندسین باید دانست که در ابتدا هر یک

از اجزای قشون ملاحظه میشود جداگانه و بعد تواماً و پس از آن بطور کلی و از برای اینکه صاحب منصب در جنگ
بتواند معمول دارد حرکات جنگی را بطور شایسته لازمست که معرفت بر فواید هر فردی از اجزای قشون داشته باشد

فصل اول
در معرفت احوال قسم پیاده

اکنون قسمت پیاده جزء اهم قشونست و سابق بر این چنین اهمی نبود لیکن پس از وصول اسلحه که ایشان
شدید و کثیر است قوت ایشان ضعیف گشته در این زمان که تفنگهای تیر اختراع شده است قسمت پیاده ابدا
خوفی ندارد حتی از سوارهای بسیار قابل کافی و سواره نمیتواند حمله کند مگر اینکه اقلا جمعیتش بقدر ده
مساوی پیاده باشد و زمانی نیز بود که میتوانستند توپخانه را اسلحه اصلی شمرند ولی تفنگهای جدید
قشون پیاده را برتری مطلق داد و ما حال ملاحظه میکنیم دلایلی که سبب اهمیت و زیادتی قشون پیاده است
پیاده را نظام میتوانیم در همه قسم از زمین و در هر وقتی از اوقات بکار بریم چه در شب باشد و چه
روز و با پیاده نظام حمله و مدافعه سهلست و تفنگهای جدید چنان اثری دارند که پیاده نظام را در
صورتیکه خوب ترتیب و همراهی کنند نه توپخانه میتواند نزدیک او شود و نه سواره و پیاده نظام
بهتر از سایر اسلحه میتواند متحمل خستگی شود و بسیار اتفاق افتاده که پیاده نظام سواره فراری را
پس از چند روز تعاقب کردن دستگیر نموده معروف تر این اتفاقات در هزار و هشتصد و پنج
مسیحی واقع شد و پیاده نظام ناپلیون اول سواره اتریش را که از اولم که به بهم عازم بودند گرفته
و دستگیر کردند و دیگر اینکه قیمه تدارکات پیاده از سایر اسلحه کمتر است و غذا دادن آنها آسانتر
پیاده نظام با نفرات میتوانند در جنگ مقاومت کنند و حال اینکه توپخانه و سواره را کمک

دوم بهتر هنگامی که دشمن نزدیک و دور میشود و مقامی که پیاده نظام نمیتواند کاری از
پیش ببرد هنگامی که بدون پیاده در برابر توپخانه واقع شود و خارج باشد از تیررس تفنگ و هرگاه اینجا
در بعضی مواقع اتفاق افتد از خطاهای صاحب منصب است عموماً پیاده نظام مسلح به تفنگ سرنیزه دار است
و این نیزه ها اغلب بشکل قداره اند و استعمال میشوند جهه بریدن چوب و در صورتی که تفنگ به آن
وصل شود طریق استعمال آن را باید بکار بردن ... را لازم نمیشود و بسیاری از قشونها
یک بیل کوچک میدهند و فوجی که از این نوع بیلها دارند در سه ربع ساعت بجهه محافظت خود خندقی
میکنند که بقدر کفایت عمیق باشد و این از جمله مهمات است و باید بجهه قشون این نوع بیلها را از جمله
لوازمات شمرد و بعضی چنین گمان کنند که این بیلها مایه زیادتی وزن اثاثیه میشود که سرباز باید حمل
کند ولی این زیادتی چندان مضر نیست در صورتیکه به پنجم بان ... که ... و با سرعت تمام ...
باین مطلوبی جهه خود ترتیب میدهیم
در هنگام مشق باید مواظبت نمود که سرباز با حرکت باشد و طریق استعمال اسلحه خود را خوب یاد گیرد
باید پیاده نظام حرکتش سریع باشد و نیز مدت زیادی بتواند راه رود و فاصله بعیدی را بدود
بدون اینکه خسته شود جهه درست نشانه زدن دو چیز لازم است اول باید شخص قراول رفتن را
خوب بداند ثانیاً اندازه گرفتن فاصلها را و این مطلب جزء از جمله چیزهای بسیار مهم است
و صاحب منصب هرگاه در عمل خود چندان مسلط نباشد باید از این تجربه مشکل قدری ربط پیدا کند
و فاصلها بحسب الوان و اوقات مختلفه مختلف بنظر میآید پس مشق بسیار لازم است تا آنکه فاصلهها
درست بنظر آید میتوان قواعد آتیه را که نتیجه چندین تجربه است و غالباً بدقت امتحان میشود

سر مشق قرار داد هر شیئی به نسبت زیادی بعد شان مثلاً کوچک بنظر میآید اشیائی که روشنائی
روشنتر دارند نزدیکتر از اشیائی بنظر میآیند که درخشان تر باشند همچنین اگر هوا روشن باشد یا آفتاب
در عقب شخص ناظر واقع شود آن اشیاء نزدیکتر از آن فاصله واقعند که دیده میشوند چون از اعلی با
کم ... اشیاء بزرگتر و دورتر از محلی که واقعند ملاحظه میشوند در دو هزار قدمی پیاده را مانند
سیاهی می بینیم که در بالای سر آنها خط روشنی واقعست (تفنگ) و سواره را خط سیاهی
می بینیم که جزء فوقانیش متمایز است از هزار و دویست الی هزار و پانصد قدمی پیاده نظام
سیاهی متمایزی بنظر میآید و سواره نظام گروهی سوار در هزار و دویست قدمی ...
سرباز دیده میشوند در هزار قدمی حرکت صف سرباز و سرکردگان مرئیست در هشتصد قدمی
حرکت ساق ایشان مرئی میشود در هفتصد قدمی حرکت دستها را می بینند در ششصد قدمی
تمیز میدهند سر و شیئی که او را پوشانده است و می ... تمام حرکاتی که در راه رفتن معمول
میشود در چهار صد قدمی تمام تزئینات و اسلحه مرئی میشوند در دویست قدمی ...
کمربند و خطوطیکه از قطار افتد میتوان دید در صد و پنجاه قدمی الی صد قدمی چشمهای ...
دیده میشود
قواعد سابقه بسیار تغییرپذیرند قاعده دیگری نیز هست که فاصلها را تحقیق تر دیگر میتوان
معین نمود و آن از صدا است که میتوان استنباط کرد ولی چون صداها یکدرجه نیستند
نمیتوان این قاعده را استعمال نمود و گر هرگاه شخصی از فاصله تیر خالی کند ابتدا
دود او را می بینیم و لحظه دیگر صدای او را میشنویم و ملاحظه شده است که صدا در

ثانیه چهارصد و پنجاه قدم مسافت را طی میکند پس بآسانی میتوان حساب نمود فاصله شخص تیرانداز را
از خود در صورتیکه ساعت ثانیه دار در پیش خود داشته باشیم همچنین میتوان عادت
نمود با آهنگ قدمیکه معادل ثانیه است مثال دود تفنگی ملاحظه شده و پس از سه ثانیه صدای
او را شنیدیم شخص تیرانداز در چه فاصله واقع است جواب ۴۵۰×۳=۱۳۵۰ شخص تیر
انداز در هزار و سیصد و پنجاه قدمی است و شبی که هوا منقلب نباشد صدای پای یکدسته پیاده
که آهسته راه میروند از پانصد الی ششصد قدمی میرسد و هرگاه یک پا حرکت کنند از هفتصد تا
هشتصد قدمی و صدای پای یکدسته سواری که راه میروند از هفتصد تا هفتصد و پنجاه
قدمی میرسد هرگاه یورتمه و چهار نعل حرکت کنند از هزار قدمی شنیده میشود صدای حرکت [illegible]
از فاصلهای بعیده میشنوند و صدای پای یکنفر سوار از صد و پنجاه الی دویست قدمی شنیده
میشود هرگاه گوش را بزمین بگذاریم میشنویم از فواصل بعیده حرکت قشونهای [illegible] صحبت
از بابت تغییر جهت باد این قاعده تغییر خواهد کرد

در ترتیب قسمت پیاده

قسمت کوچکی که به تنهائی در میدان جنگ حرکت میکند واحد تاکتیک نامیم سابقا باطالیان
واحد تاکتیک بود لیکن پس از اختراع اسلحه و قانون حرکت جدید چون بیشتر اوقات
با دسته حرکت میکند دسته واحد تاکتیک است و مقصود از دسته جماعت است که عده
اشخاص کمتر از دویست نفر نباشد تعداد باطالیان در تمام قشون ممکن است یکی نباشد
و بجهت تعیین قوت باطالیان باید دو چیز ملاحظه نمود

باطالیان نباید بقدری کثیر العده باشد که یکنفر صاحب منصب نتواند او را فرماندهی کند بلکه باید جمعیتشان بقدری
باشد که پس از وضع مقتول و مجروح و مأمور اقلا بتوانند در میدان جنگ حرکت و جنبشی کنند
و از این قرار است جمعیت باطالیانهای بعضی از ممالک ذیل

المانی و روس	هزار نفر
اطریش یا نمسا	۱۲۰۰ نفر
انگلیس	۹۰۰ نفر
فرانسه	هفتصد تا نهصد نفر

باطالیان را قسمت کنند بدسته و عدد آنها مختلف است در هر مملکتی مثلا ممالک

المانی و روس	۴ دسته	۲۵۰ نفر
اطریش یا نمسا	۶ دسته	۲۰۰ نفر
انگلیس	۱۰ دسته	۹۰ نفر
فرانسه هنگام صلح	۸ دسته	تقریبا ۱۰۰ نفر
فرانسه هنگام جنگ	۶ دسته	تقریبا ۱۵۰ نفر

هرگاه دسته عددش کمتر از دویست نفر باشد باید مجتمع ساخت دو بدو دستهها را و گروهان
ثبت و جمعیت باطالیان که بصرفه و شغل نزدیکتر است که هشتصد نفر باشد پس قسمتهای
کوچک باطالیان بطور ذیل خواهد شد

دسته	۲۵۰ نفر

نصف دسته	۱۰۰ نفر
رسد	۵۰ نفر
بهره	۲۵ نفر
جوقه	۱۲ یا ۱۳ نفر

در بسیاری از قشونها چندین باطالیانرا مجتمع سازند و رژیمان گویند و چندین رژیمانرا جمع کنند و بریگاد نامند و ما بریگاد را پنجه اصطلاح کردیم در قشونهائیکه رژیمان ندارند چهار الی هشت باطالیانرا مجتمع سازند در یک پنجه و دو یا سه پنجه را دیویزیون گویند و دیویزیونرا تومان اصطلاح کردیم و دو یا سه تومانرا کردارمه گویند

هرگز تکیه با پیاده نظام را منفرد نگذارند بلکه توپخانه و سواره و قسمتی از مهندسین و غیره با آنها متصل سازند میتوان گفت که تومان قشون کوچکی است که میتواند منفرداً حرکت کند

ترتیب قشون آلمانرا باید در این زمان بهترین ترتیبها ملاحظه نمود و آن [illegible] یک کردارمه تقریباً چهل هزار نفر است و سی هزار آن پیاده نظام است که بدو تومان تقسیم میشود و هر تومان تقسیم میشود بدو پنجه که یکی مرکب است از سه رژیمان و دیگری از دو و هر رژیمانی مرکب از سه باطالیان هزار نفری است یک باطالیان تقسیم شده است بچهار دسته دویست و پنجاه نفری بهر تومان پیاده نظام یک بریگاد سواره و پنج باتری که سی عراده توپ باشد داده میشود

علاوه بر آنچه ذکر شد هر کردارمه چند باطالیان سرباز مهندسین و یک عقبه از توپخانه

و تدارکات قشونی از هر قبیل همراه خود داشت

در صورت بندی قسمت پیاده

صف ساختن اول نوع از نظم قسمت پیاده است در اینحالت اشخاص باید در نزدیک یکدیگر بترتیب میایستند سابقاً صفوف متکاثره مجتمع میساختند چنانکه اسکندر بزرگ مرتب میساخت صفوف لشکر خود را در شانزده صف و اهالی نظام (رومن) بدوازده صف و بعضی از سرداران دیگر در سی و دو صف از هنگامیکه سلاح قشون بترقی گذاشت رفته رفته عدد صفوف رو بناقص آمد تا عصر ناپلیون بزرگ صفوف بسه صف انجام یافت و اکنون که سلاح نسبت بسابق اکمل شده تقریباً در تمام ممالک صفوف لشکر از دو بیشتر نیست اشخاصی که در پیش رو قرار دارند صف اول و سایرین را صف دویم نامند صفوف اهم از اینکه رو بعقب کنند یا رو به پیش و یا رو براست نمایند و یا رو بچپ صفی که در ابتدا اسمش اول بود نامیده میشود صف اول و دیگری دویم و اگر رو براست نمایند صف پیش واقع خواهد شد در سمت چپ و اگر رو بچپ نمایند واقع خواهد شد بسمت راست آن دو سربازیکه در پشت سر یکدیگر در صف واقعند فیل گویند اطراف قسمتی از قشونرا جناح نامند سمت راسترا جناح یمین و چپ را یسار نامند بنابر صورتیکه اول قسمت قشون مرتب شده بود

پیاده یا مجتمعند یا پراکنده در حال اجتماع اعم از اینکه قطارها یا اقسام دیگر باشند جای میگیرند نزدیک یکدیگر و در حال افتراق هر یک بفاصله مقتضی

پیاده مجتمع

(۱) دشتبان (۲) ستون

(۳) ستون و دشتبان (۴) قلعه

باید حال منظور داشت مقتضیات هر صورت را

دشتبان

غنایم — مقتضای اینحالت اینستکه تمام تفنگها بکار باشند و بعلت کمی عرض خط دشتبان در حین عمل از دشمن کمتر آزار ببرند و فاصله زیادی را نیز متصرف شده و اینصورت ساده ترین صور است

نقایص حرکت این خط طولانی مشکل است و شکسته میشود و بواسطه مانع کوچکی از زمین ممکن نیست که در تمام نقاط اینخط اطمینان مخفی شدن و استحفاظ بدست آرند و نیز تبدیل سمت چنین خطی را مشکل است و مدافعه با دشمنی که از جناح حمله ور گردد ممکن و سردار را مشکل است رسانیدن فرامین و تکالیف هر یک و هرگاه سوار حمله آورد لابد خط را خواهد شکست و تکیه‌ای برای قشونیکه در محلی مدت مدیدی استقامت ورزند اینصورت شایسته نیست و الا اتفاق یعنی اعظم از غنایم است

خط دشتبان باینصورت صورت میگیرد که قسمتهای باطالیان متصل و ممتد باشند و باطالیانها در همان امتداد بفاصلهٔ ۲۵ یا ۳۰ قدم و یا بفاصلهٔ ۵۰ قدم و محض استخلاص از نقایص مذکوره حرکات چندی بجای آورده میشود که موجب تغییر بعضی نقایص خط دشتبان خواهد بود

(۱) حرکت پله (نقشه اول)

(۲) حرکت شطرنجی (نقشه دویم)

(۳) دشتبان با فاصله (نقشه سیم)

بجهة حرکت پله یکی از قسمتهای جزء خط را حرکت به پیش میدهند و چون صد یا پنجاه قدم حرکت نمود قسمت بعد شروع در حرکت مینماید و همچنین قسمتها الی آخر هر یک بنوبهٔ خود حرکت مینمایند

غنایم حرکت پله از اینقرار است با حرکت پله آسانتر از دشتبان میتوان حرکت نمود و یکی از جناحین یا هر دو پیوسته محفوظ اند از حملهٔ دشمن و در حقیقت همان پلهٔ اول باید مدافعه کنند و بوساطت سایرین و نیز محفوظ است در اینحرکت سوار و توپخانه از فاصلها زودتر نزدیک میشوند بدشمن

قوت هر پله تغییر پذیر است ولی عموماً میتوان گفت که مرکب از یک باطالیان یا یک رژیمان

بجهة حرکت شطرنجی به پیش حرکت میدهند قسمتهای طاق را بفاصله ۱۰۰ الی ۱۵۰ قدم و سایر قسمتها در جای خود مستقرند و بعد خط دویم را حرکت داده از فاصله آنهائیکه رانند و در ۱۰۰ قدمی الی ۱۵۰ قدمی از حرکت بازشان میدارند و پس از آن خط اول را از فاصلها به پیش حرکت داده و حالت مینمایند و لی در این حرکت را معمول میدارند

اینحرکت در عقب نشینی نیز بهمین قاعده و قانون مجری میشود ابتدا خطی که بدشمن نزدیکتر است شروع در حرکت بعقب مینمایند

با حرکت شطرنجی آسانتر از دشتبانی میتوان حرکت به پیش نمود ولی وقت بسیار لازم است

و بانهیت بسیار کم اتفاق میافتد که اینحرکت را مجری دارند و بالعکس عقب نشینی اغلب با این ترتیب
شطرنجی معمول میشود زیرا که باینطریق حرکت نمودن مرافعه قطع نمیشود
خط منقطع یا دشتبان با فاصله خطی است که قسمتهای جنب در عقب قسمتهای طرفین
می گیرند
در اینصورت بندی آسانتر میتوان حرکت نمود و بجاکی میتوان به پیش حرکت کرد و قسمتهای
دیگر قشون میتوانند از فاصلها عبور کنند اینصورت استعمال میشود وقتی که بخواهند فاصله
بعیدی را بپایند و بلا فاصله کرد دشتبان ببندند

تقسیم

ستون

ستون صورتیرا گویند که چندین خط مساوی الطول در عقب یکدیگر قرار داشته
باشند و فاصله آنها از یکدیگر مساوی و روشان بیک سمت باشد جزء اول
ستون را قسمت سر ستون گویند و جزء آخر ستون را قسمت ته ستون نامند طرفین ستون را
پهلوی راست و پهلوی چپ ستون گویند و این اسما تغییر نمیکند اگر چه ستون طرف راست
گردانید حرکت ستون بسیار زیادتر از دشتبان است و چون طولش کمتر گنجیده
در مواجهش برروی زمین مواقع اتفاق میافتد که باعث منع حرکت آن میشود و هم
واقع شد بآسانی میتواند از آن اجتناب کند ستون بسیار آسانتر از دشتبان میتواند
بملاحظه خود ترتیب دهد و فرمانده آسانتر میتواند قسمت خود را فرماندهی
ورجحان ستون از دشتبان بیشتر است و نقش مشکر بی نظمی مبدل میشود و حملهای

از پهلو و ریا از خطر میندازد زیرا که بآسانی میتواند سمت روی خود عوض نماید و نتیجش
زیادتر میشود وقتی که اجزای ترکیب کنند با قسمت پراکنده در صورتیکه در مواجه مانعی
از زمین واقع شود
ستون نیز صاحب نقایص عدیده است و آن معایب از نقرارات
هیچیک از صفوف جز صف اول نمیتواند تیر اندازی کند از این استنباط میشود که اثر
آتش در او زیاد نیست و بسیار متاذی است از آتش دشمن و هرگاه هوا گرم باشد راه
رفتن بحالت ستونی موجب خستگی میشود
سه قسمت پیاده ستون بستن یکی از صور معظمه است و ستون بستن اغلب پیش از دشتبان
بستن استعمال میشود
در مایه اخیر دشتبانها بیشتر استعمال میکردند و همیشه جنگ همیشه صحرای وسیع را که در او هیچ
عارضه یافت نمیشد که مایه منع حرکت قشون شود انتخاب میکردند صورت ستون را کمتر
نه استعمال میکردند و نه معرفت با حوالیش داشتند
و عموما حرکت میمودند چنانچه السال [illegible] هر کاه این رسم را
در این ممالک تغییر ندهند باید همانرسوم را پیشه کنند جمیع قشونهائی که این رسم را
داشتند از ناپلیون اول که اغلب صورتی را که ستون نیز استعمال میشود و حمله می
آورد در زمین منقطومی که دشتبان آنها نمیتوانست حرکت کند شکست فاحشی میخوردند
و هرگاه در جنگه واقع میشد ابلحمله می آورد بسیار دیده ایم که چون دشتبانها

از پهلو حمله آورند با شکال میتواند مقاومت نماید
آنچنی که قشون بواسطهٔ آن همیشه با خط حرکت میکند تاکتیک خطی گویند و بالعکس
چون ستون را زیاد استعمال نمایند گویند پیروی تاکتیک عمودی کرده

و از قرار فاصله که بین قسمتهای جنبه یافت میشود تمیز داده اند دو قسم ستون را یکی ستون باز
که فاصله مابین قسمتهای جنبه مساوی طول آنهاست و دیگر ستون فراز است که فاصلهٔ
بین قسمتها را از ۴ الی ۷ قدم

ستون فراز (نقشه چهارم) ستون باز

ستون باز مخصوصا در هنگام حرکت استعمال میشود و از او نیز بکار میبرند هنگامی که
خواهند از آتش توپخانه کمتر شود ولی غالبا در هنگام جنگ بحالت ستون فراز هستند و
از بابت قوت مختلفه که در ستون یافت میشود او را به قسم کرده اند ستون بریگاد
ستون باطالیان ستون گروهان در وقتی که اسلحه قشون دشمن بد باشد میتوان با
ستون بزرگی باو حمله آورد ولی هرگاه دشمن توپخانه خوب و تفنگ ته پر داشته
باشد باید جز ستون گروهان ستون دیگر استعمال کرد زیرا که بسیار متاذی خواهد
شد از آتش دشمن و صورتیکه از ستون مترتب میشود و جهة اجتناب از
معایب آن خط مضاعف خواهد بود

و در اینصورت دو قسمت جزء در عقب یکدیگر واقعند و تمام ستونی و دشتبانی
در اینصورت جمع است و تمام اشخاص میتوانند تیرانداز ی کنند و آتش دشمن خیلی
چندان موثر نیست و آسانتر میتواند حرکت کند و او را فرماندهی بسیار آسانست و
چون قشون زیاد باشد صورتش بسیار طول میشود و حرکتش چندان با قاعده نیست

ستون و دشتبان (نقشه پنجم)

در اینصورت ترکیب میکنند ستون و دشتبان را تا غنیمت هر دو صورت حاصل شود
و نیز اجتناب نمایند از معایب آنها

قلعه (نقشه ششم)

سابقا پیاده نظام را هر وقت حمله از سواری میرسید قلعه میساختند و اکنون که
پیاده نظام تفنگ ته پر دارد بندرت او را قلعه بستن لازم میشود و مثلا وقتی او را قلعه
قلعه بستن لازم میشود که در جنگل واقع شده باشند و در تمام اطراف سوار باشد و تا
هیچ وقت نباید سابق قلعه بزرگ بست زیرا که اگر زیاده از چهار صف بسته شود هم بیفایده
و هم اشخاص اذیت میکشند از آتش دشمن قلعه باید چهار صف بسته شود زیرا که اگر زیاده
از چهار صف بسته شود اشخاصی که در عقب واقع میشوند نمیتوانند تیراندازی کنند
و هرگاه دو صف باشند چندان مقاومت ندارند و حرکات نیز مشکل است و هرگاه
قلعه متعدد باشد باید آنها را طوری ترتیب داد که آتششان رنگ که صدمه نزند
اگر ستونها متعدد باشند و در پهلوی یکدیگر حرکت کنند میتوان بزودی قلعه ساخت

در حالتی که هر یک از ستونها نصف شدن بست نمایند و پس از آن قلعه بسازند

حالت پراکندگی قشون (نقشه هفتم)

در اینحالت اشخاص باید در پهلوی یکدیگر بدون فاصله قرار نگیرند بلکه باید در بین آنها فاصله باشد و سربازها در اینصورت مجزا نامند

غنایم — اشخاص بهتر تیر اندازی میکنند زیرا که وقت کافی برای قراول رفتن دارند و نیز میتوانند انتخاب نمایند موضع مرغوبی را برای خود و نیز میتوانند با آسانی موضعی را از زمین بجهة مخفی شدن و ملجاء از آتش دشمن اختیار نمایند و تیر متفرقه محل و سعی را و حرکات هم بسیار آسانتر است از حالت اجتماع و آتش دشمن بسیار اثر کمتر

نقایص — نمیتوان حالت پراکندگی را بجهة تمام قشون استعمال نمود هنگامی که عده زیاد باشد زیرا که فرماندهی مشکل میشود و نمیتوان بحیله ی مجری داشت حرکات لازمه که اتفاق میافتد در هنگام حملهای ناگهانی دشمن

نقشه هشتم

در حالت پراکنده مابین قطارها فاصلهٔ معینی هست ولی اغلب آن فاصلهها دو فاصلهٔ بزرگتری نیز مابین قسمتهای جزء یافت میشود در دسته می توان گفت که فاصلهٔ مابین رسدها شش قدم است و فاصلهٔ مابین بهرها هشت قدم

این فاصلهها ثابت نیست مگر در زمینی که مکشوف باشد و در صورتی که روی زمین عارضه دیده شود آنوقت خود آن عوارضات فاصلهها را معین مینمایند

یک قسمت کوچکی از قشون بسته اند با تمامه مجزا هستند ولی قسمتی که قدری

بزرگتر باشد از دسته هرگز نباید آن عملاً مجری داشت و چون حالت پراکندگی و اجتماع هر دو صاحب نقصند نباید یکی از آنها را بتنهائی استعمال نمود بلکه باید آنها را ترکیب نمود یعنی جزئی را بحالت پراکندگی قرار داد و جزء دیگر را بحالت اجتماع

ولی غالباً نصف قشون را مجزا و نصف دیگر را مجتمع قرار دهند هرگاه قشون عده زیادی باشد شکل یک باطالیان ستون ازا به قسمت نمود اول مجزا که از بسیاری نزدیکتر به دشمن دویم کمک که قسمتهای کوچکی هستند بحالت اجتماع و در عقب زنجیر مجزا و هستند بجهة تقویت و عوض نمودن آنها سیم عقبه که مرکب است از یک یا چند قسمت بزرگ که بحالت اجتماع در عقب کمک واقعند عقبه استعمال میشود بجهة کمک زنجیر وقتی که او را از پهلو حمله آورند و نیز هنگامی که قسمت مجتمع لازم میشود او را حرکت دهند

نقشه

صورتیکه در آنها ترکیب کنند مجتمع را با پراکنده از تمام صورتهای دیگر بهترند و اهمیتشان زیادتر و این یکی از صورتهای بسیار خوب است که در جنگ اغلب باعث ظفر میشود و میتوان فتح نمود در صورتیکه تمام قشون در حالت پراکندگی باشند ولی آن عمل بسیار خطرناکست

و اگر تمام قشون بحالت اجتماع باشند بهیچوجه فتح و ظفر ممکن نیست

حالت پراکنده لازم است و باید بسیار استعمال نمود وقتی که سرباز زیرک و جری باشد و در مدت قلیل آنرا بیاموزد

وهرگاه سرباز نه زیرک باشد و نه باجرات حالت اجتماع را باید حتی‌الامکان بکار استعمال نمود

حرکات

حرکاتی که در قشون مجری میشود و صاحب شرایط ذیلند

اولاً باید ساده و مختصر باشد و نیز آسان باشد بجهة فهمیدن و مجری داشتن

ثانیاً باید بجلدی نیز آنرا مجری داشت

ثالثاً باید بطوری باشد که بتوان مجری داشت با کمال نظم بدون آنکه در ضمن عمل اغتشاشی حاصل آید

رابعاً ممکن باشد که آنها را در اراضی مختلفه معمول داشت

تمام حرکات هم ممکن است با آهنگ قدم مجری شود و هم با قدم دو (آهنگ قدم در هر دقیقه ۱۱۰ است و آهنگ قدم دو هر دقیقه ۱۷۰) و اغلب با قدم دو آنها را مجری دارند ولی نباید هرگز سرباز را زیاد تند دوانید که نتوانند قراول روند و پس از رسیدن بلافاصله تیراندازی کنند

در حالت پراکندگی	حرکات غیر از تیراندازیست
زنجیر ساختن	در حالت اجتماع
حرکات با زنجیر مخبران	حرکت دشتبانی
قوت دادن زنجیر	از دشتبان ستون ساختن
کم کردن عدد اشخاص زنجیر	حرکات ستونی
... نمودن از زنجیر	از ستون دشتبان ساختن
	حرکت پله

جمع شدن	حرکت شطرنجی
	تبدیل فرونت
	قلعه ساختن

در جنگ پیاده

تیراندازی واسطهٔ اصلی جنگ است بجهة قشون پیاده و در خارج تیراندازی حمله با نیزه واسطهٔ عمده است ولی مواقعی که بتوان حمله با نیزه را مغتنم شمرد بسیار نادر است در صورتیکه تقابل جوئیم با دشمنی که مسلح باسلحهٔ جدید و متعلم باستعمال آن باشند جنگ پیاده هم مجتمعاً معمول میشود و هم متفرقاً و ما اکنون در اجتماع آن گفتگو میکنیم

در حالت اجتماع

در اینحالت سرباز هیچوقت تیراندازی نمیکند جز بفرمان فرمانده خود و کلیةً در هنگام تیراندازی قسمت پیاده یا بحالت دشتبانست یا بحالت مضاعف زیرا که بهترین اثر آتش در این صورت تنها مشاهده میشود

اثر آتش بسته دارد بزیادتی مدت و سرعت و قسمت شدن فواصل و نباید هرگز شروع شود مگر هنگامیکه دشمن بقدر کفایت تقرب جسته باشد و بتوان او را هدف گرفت هرگاه تیراندازی را با اغتشاش کنند تدارکات خود را ضایع و تلف مینمایند ممکن است باین قضیه بدبختی روی دهد و باعث ازدیاد جرئت دشمن شود در صورتیکه حمله

نماید کمی از آتش دشمن را و بهمین دلیل سرباز بجهة بی اعتباری اسلحه خود قطع اعتماد از آن کرده
بسهولت سلب جرأت از خود مینماید اگر پیاده نظام بمسافات بعیده تیراندازی کند
مطبوع نیست و پیاده نظام باید بسیار جهت نماید در آتش خود و نباید تیراندازی کند
مگر در هنگام ضرورت و در اینحالت سربازان باید وقت کافی داده تا بدقت قراول
روند سابقاً شرحی در باب حدس اندازه فواصل گذشت و ملاحظه شد که آن اندازه گرفتن
چه قدر مشکل است پس باید فرماندهان در این عمل مشق بسیار کنند و همیشه پیش از تیرانداختن
بسربازان اعلام نمایند که بچه فاصله قراول را باید قرار داد

تیراندازی بر دو قسمت یکی شلیک که در آن اشخاص باهم تیراندازی میکنند و دیگر آتش
بخواهش است که در آن اشخاص منفرداً تیراندازی مینمایند و از قرار عده مختلفه که اشخاص
تیراندازی میکنند شلیکها را بچند قسمت نموده اند یکی شلیکات باطالیان است
که آتش باطالیان میگوئیم و دیگر شلیک گروهان است که آتش گروهان میگوئیم و دیگر
شلیک دسته و رسدات که آتش دسته و رسد موسوم ساخته ایم شلیک باطالیان باید
از فاصله بسیار کم معمول شود و معلوم است که در اینحالت اثر آتش زیاد است ولی بهر
نمیتوان آتش باطالیان را معمول داشت و دیگر آنکه بقدری همهمه زیاد است که غالب
فرمانده فرمان خود را نمیتواند بشنواند پس از این بابت کم اتفاق میافتد که شلیک
باطالیان معمول شود

شلیک گروهان نیز گفتنش مشکل است و چون زیاد لازم میشود باید مشق زیاد نمود

بخصوص با گروهانی که در خط مضاعف باشند

شلیک دسته و رسد مخصوصاً وقتی مجری میشود که خواهند هدف بزرگی را هدف گیرند
مثل بازی توپ و ستون بسیار بزرگ در صورتیکه بمسافات بعیده واقع باشند و باید دقت
شود که هیچکس بدون فرمان تیراندازی نکند زیرا اگر بدون فرمان تیراندازی کنند
مقصودیکه در آتش فرمان است حاصل نخواهد شد

در خط مضاعف یا قلعه اغلب با دو صف تیراندازی میکنند بجهة آنکه آتش مقطوع نشود ولی
چون دشمن بسیار نزدیک شود هر چهار صف تیراندازی میکنند آتش باختیار بیش از شلیک
استعمال میشود و تفتیش آنستکه اشخاص وقت کافی برای قراول رفتن دارند ولی اغلب فرمان
قطع آتش مشکل است زیرا که از شدت صدای اسلحه سربازان نمیتوانند فرمان را بشنوند

در هر نوع تیراندازی لازم است که اشخاص با کمال انتظام و بدون همهمه در صف بجای خود
قرار داشته باشند

پس باید در ابتدای تعلیم اشخاص را عادت داد بسکوت کردن و وقف نمودن در فرمان
و علائمی که فرمانده میدهد

در جنگ قسمت پراکنده

قسمتهائی که در حالت پراکندگی اند باید مخصوصاً معرفت بمطالب مفصله ذیل داشته باشند
اولاً فهم نشانه های اراضی را ثانیاً بخوبی استعمال نمایند اسلحه خود را ثالثاً یکدیگر را
معین و یار باشند رابعاً مواظبت نمایند امر فرمانده را

اما مفید شمردن اراضی بجهة مخفی شدن است بطوریکه دشمن نتواند قوت و حرکات ما را ملاحظه کند و این از جمله لازمه است میتوان بطوری مفید شمرد اراضی راکه برای دشمن ضرر بسیار داشته باشد و اینهم وقتی اتفاق می افتد که جزئی از زمین را متصرف باشیم که از آتش ما دور باشد از سایر اراضی و نیز وقتی اتفاق بیافتد که قشون ملجأ و پناهی نداشته باشند خلاصه مفید شمردن زمین بجهة استحفاظ از آتش دشمن است مثلا بجهة محفوظ شدن باید قرار داد قشون را در پناه دیوارهای در ته خندق ولی محل التجا باید طوری باشد که اشخاص بتوانند باسانی بسمت دشمن تیراندازی کنند و معرفت استعمال نمودن اسلحه خود بطور شایسته از جمله آنست که سربازان در هر موضعی که بجهة مخفی شدن و استحفاظ قرار دارند بتوانند بخوبی تفنگ خود را پر و خالی کنند سربازان نباید تیراندازی کنند مگر وقتی که احتمال اثر در تیرانداختن ملاحظه شود و باید این اثر در کمال شدت باشد در برابر دشمن سرباز همیشه مایل است که لاینقطع تیر خالی کند و باینطریق تدارک خود را بی فایده بهدر میدهند و خیلی مشکل است در هنگام جنگ مکرر آن تدارک را مهیا کنند و وقتی اتفاق می افتد که تمام آن تدارکات لازم میشود و از آنها چیزی باقی نمانده است یک تیر بیفایده انداختن ممکن است باعث هزیمت شود فاصله که در آن باید تیرانداختن شروع شود در مواقع مختلفه مختلف است و میتوان چند قاعده کلی در اساس آن قرار داد

نسبت بسوارانی که مخفی نشده باشند بواسطه مانعی از زمین از ۶۰۰ الی ۸۰۰ قدمی باید بکمال اثر با آنها تیراندازی نمود

نسبت به ارتری توپ میتوان از ۶۰۰ الی ۷۰۰ [illegible]

نسبت بعبراان در صورتیکه پوشیده نشده باشند ۳۰۰ الی ۴۰۰ قدم

نسبت بعبراء که مخفی باشند و جز سر آنها چیزی نمایان نباشد ۱۰۰ الی ۲۰۰ قدم

هرگاه فرمانده بخواهد میتواند از فاصلهای دور امر به تیراندازی نماید و در اینحالت باید امر کند به تیراندازهائی که بسیار قابل باشند

سربازان عبراان تا ۴۰۰ قدمی باامر فرمانده خود تیراندازی میکنند مدد فرماندهان نباید اشخاص را که باید مخصوصا تیراندازی نمایند و نشان میدهد شیئی را که باید بهدف گیرند و این قاعده کلی است

از فاصلهائی که کمتر از ۴۰۰ قدم باشد باید اشخاص هر وقت مصلحت بدانند تیراندازی کنند بدون آنکه مطلع امر فرماندهی باشند ولی احتمال کلی در اثر تیراندازی در هنگام حرکت هیچوقت تیراندازی نکنند زیرا که این عمل باعث تعطیل کردن تیراندازی است و باید بدقت انتخاب نمود شیئی را که باید بهدف گرفته شود مثلا آنچه وقت تیراندازی باید بهدف گرفت بدقت تمام صاحب منصبان لشکر دشمن را و نیز باید بسمت عقب پیش از عبراان تیراندازی نمود

هرگاه توپخانه دشمن در [illegible] باید بسمت آنها تیراندازی نمود [illegible] اشخاص و [illegible] باید [illegible] همینکه هر دو [illegible] تیرندازی [illegible] [illegible] ... [illegible] باری [illegible] دیگر را

و مخبران و عقبه تفنگ یکه کرکنند و در نقاط واقعه در نزدیکی دشمن فاصله قطار را اکثر از فاصلت
که دو راست آن

هرگاه جنبه‌ای از مخبران به پیش یا به عقب حرکت کنند سایرین تیراندازی را شدید می‌کنند
بجهة آنکه منع کنند دشمن را از اینکه کسر اذیت رساند باشخاص متحرک

در مدت مدافعه عقبه هم میتواند در خطار تخمیر قرار گیرد و وقتیکه خواهند تمام قوت را
استعمال نمایند و هم میتوانند ملحق شوند و وقتیکه دشمن حمله ور شود غافل سمت آن
شلیک کند بجهة حمله رو کم کم نزدیک میشوند نسبت مجاور از دشمن یعنی اشخاص مخبران
موضع مخصوصی را اختیار می‌کنند و از آنجا رو به دشمن می‌آیند

و وقتیکه آتش دشمن مدت چندی طول کشید یک جزء از زنجیر را به پیش حرکت میدهند
و سایرین مسلسل تیر خالی میکنند تا آنکه قسمت اول در محل خود قرار گیرند و باین نحو پی در پی حرکت
میکنند تا آنکه بموضع دشمن برسند و نیز میتوان تمام اشخاص را یکمرتبه حرکت داد وقتیکه
ملاحظه کند آتش دشمن تخفیف یافته (این علامت آنستکه آتش از شلیک افتاده بود) در آن
هنگام بچابکی تمام حرکت به پیش میدهند قشون را و در موضع جدیدی قرار میدهند
که از دشمن چندان دور نباشند آخرین حمله را معمول میدارند و این عمل را بدین
طریق مجری میدارند

دیگر آنکه تمام اشخاص باید مطیع امر فرمانده باشند بجهة آنست که بتوانند بلا فاصله مجری دارند
فرامین و علایم او را

در تکالیف فرماندهان

فرمانده حتی فرمانده دسته و بهره باید تا درجه معینی بدون حکم فرماندهی کننده زیرا که
فرمانده کل ممکن نیست که جمیع فرامین و احکام را بدهد

فرمانده کل باید تعیین کند نقطه جنگ و حرکات زنجیر را ولی طریقه اجرا و حرکات نسبه
بفرمانده جزء است

فرماندهان باید همیشه ملاحظه کنند حرکات دشمن را و نیز ملاحظه کنند صورت اراضی را نسبت
بعده اشخاصشان محل هر فرماندهی باید مکانی باشد که حرکات دشمن را ببیند و نیز
بطور خوبی بتواند زیر دستان خود را فرمان دهد بجهة فرماندهان بهره و دسته باید در عقب زنجیر گرفته
خود قرار داشته باشند ولی در هنگام حرکت به پیش قرار بگیرند نمیتوان قاعده قرار داد
بجهة محل فرمانده گروهان و باطالیان ولی همینقدر باید در محلی قرار گیرند که بتوانند
خود را حفظ کنند

بسیار مغتنم است که کمک قوی باشد و عقبه بزرگ و نباید خط زنجیر زیادتر از آنچه لازم است بجهة
بوده باشد هرگاه شبهه داشته باشیم در قوت زنجیر بهتر آن است که عده اشخاص
زیادتر باشد از حد لزوم

قوت زنجیر بمیزان تعلق دارد اول بنوع جنگ ثانیا چگونگی اراضی ثالثا ابنیه
دشمن استعمال بکند

اولا میتوان جنگی نمود که بجهة تطویل و تعقیب زمان مطلوب باشد مثلا هرگاه بدانیم

که پس از مدت چندی مدد و قوت خواهد رسید یا با قلیل عده از مجبران مدافعه کنیم تا بتوانیم زمان طولانی را مصروف داریم و میتوان مدافعه نمود بجهة حفظ نقطهٔ مهمی و در اینحالت باید که مجبران را قوی نمود بجهة مقاومت اولین حملهٔ دشمن

و هرگاه بجائی از مواضع دشمن حمله آوریم باید ما در هنگام شروع بیشتر از آنچه دشمن بجهة حمله در آن موضع مطلوب سرباز قرار داده است مجبران قرار دهیم

ثانیاً بطور کلی زمین مقطوع از زمین مکشوف مجبران زیادتر لازم دارد

ثالثاً مذکور شد که قوه مجبران نسبت دارد بقوتیکه دشمن استعمال میکند و این قوت را نمیتوان تعیین نمود مگر آنکه بتدریج نزدیک شویم پس باید دقت نمود جمیع حرکات دشمن و هر وقت که حرکت عمده کند باید نفرها زیاده اخبار داد (?)

و فرماندهان حتی فرمانده جزو باید در تعیین محل اجتماع مجبران دقت زیاد داشته باشند در دفاع مثل حمله پیوسته نقاطی یافت میشوند که اهمیتشان از سایر نقاط بیشتر است در آن اگر نقطه مهمه باید مجبران را زیاده از مواضع غیر مهمه قرار داد

در حالت تفرقه نظام هیچ چیز لازم نیست ولی باید وضعی قرار گیرند که در توجه بسیار کرده باشند مسافت گروهها تغییر میکند اما نباید بقدری باشد که دشمن در میان آنها داخل شود بدون آنکه صدمه از آتش برا او وارد آید

و فرمانده گروهان تعیین میکند تقسیمات گروهها را و همچنین تعیین میکند عدهٔ رسدهائی (?) که زنجیر سنا... اغلب مقاومت مجبران در برابر حمله سوار مشکل است اگر زمین بجهة سوار

مطبوع باشد مجبران باید خود بعقب کشیده و بسوی کمک یا عقبه جمع شوند و برای دفع حملهٔ سوار باید در خط مضاعف یا دائره قرار گیرند

اگر زمین مقطوع باشد اغلب مجبران میتوانند دفع حمله کنند بدون اینکه وضع خود را تغییر دهند یا آنکه جائی قرار گیرند که بجهة مقاومت مطبوع باشد و فرماندهان باید تعیین کنند که کدام یک از این دو قسم بهتر است

هرگاه مطمئن نباشیم از اینکه وقت کافی داریم بجهة رسیدن بمحل مطلوب با اختیار صورت دیگر هرگز نباید تعیین مکان کرد زیرا که بدترین چیزها آن است که در هنگام حرکت گرفتار شویم

یکی از تکالیف عمدهٔ فرماندهان آنستکه رهبری نمایند آتش را و بسربازان نشان دهند که بر چه شیئی باید تیراندازی نمود آن شیئی در چه فاصله واقعست و باید بدقت مواظبت نمایند باینکه منع نمایند سرباز را از بیفایده تلف کردن فشنگ

و هر فرمانده باید سعی کند در ممانعت اذیت دشمن بر جزئی از مجبرانی که در حرکت هستند یعنی مدد که کمکها از مجبران پیش یا بعقب حرکت میکنند اجزاء دیگر آتش را شدید کنند

هرگاه چیزی نزدیک شود بجهة آنکه در خط زنجیر قرار گیرد یا از آن عبور کند زنجیر مجبران براست و چپ تکیه کنند تا آنکه محل قیام یا عبور آنها باز شود

عقبه و کمک

عقبه و کمک را استعمال میکنند بجهة قوت دادن زنجیر و دفع حرکات دشمن بقدر وقت

ضرورت و نیز همه هنگامی که استعمال قبضه مجمع لازم باشد
مسافتی که واقعست مابین مخبران و گمک و عقبه بسیار تغییر پذیرات بر حسب اختلاف
طبیعت اراضی عقبه باید بقدر کفایت نزدیک باشد بمخبران تا آنکه بتواند بکلی بحمایت
آن بیاید و نیز باید بمقدار کافی دور باشد تا آنکه آتش دشمن چندان بر او موثر نشود
ثانیه عقبه باید دقت نماید در حرکات مخبران و دشمن بهمه آنکه بتواند بجای کمک کند
هر نقطه را که در او لازم باشد کلیه عقبه در عقب مرکز مخبران قرار میگیرد ولی گاهی
اتفاق می افتد که در عقب یکی از جناحین قرار گرفتنش مطبوع است هر گاه ممکن باشد
باید عقبه را از نظر دشمن مخفی نگهداشت تا هنگامی که مورد استعمالش برسد

حمله را به سه قسم میتوان معمول داشت

اول آنکه مخبران حمله کنند در حالتی که عقبه در تعاقب او باشد و حرکت کند بسمت
نقاطی خارج شده از خط دشتبان دشمن ثانی آنکه عقبه به پیش حرکت کرده و در خط زنجیر
قرار گیرد با آنها حمله کند ثالثاً آنکه عقبه تنهائی حمله کند و از خط زنجیر بگذرد و بهتر آنکه
در وقت خارج شدن از یکی از جناحین خارج شود از پهلو به دشمن حمله کند و اگر خواهیم
عقب نشینی اختیار کنیم عقبه باید بجای در یکی از مواضع مهمه که در خط عقب نشینی
واقعست قرار گیرد و این موضع نزدیک باشد و قاعده کلی بر این جاری شده که در
هنگام عقب نشینی نباید هرگز موضعی را متصرف شد که نزدیک یکدیگر باشند
زیرا که در آن وقت زمان کافی موجود نیست جهة مدافعه هر موضع پیش از آنکه در آن

محل قرار گیرند دشمن بسرعت برسد پس باید در هنگام عقب نشینی بجای تمام مسافت
بعیدی را پیمود و حتی الامکان در هر موضع مدافعه را مدت مدیدی طول داد

ثانیه عقبه باید بطوری قرار گیرد که بتواند ملاحظه کند دشمن در زنجیر مخبران و سواران

فصل دوم
در معرفت احوال قسمت سواره

صور اصلی قسمت سواره مثل صور قسمت پیاده است و خطش مرکب از وصف سواره
نظام میتواند همان صور را اختیار کند که پیاده نظام اختیار کرده بود ولی عده
صورتهائی که بتوان در جنگ استعمال نمود بسیار کم است
اسلحه جدیده فایده سواره را در جنگها اکنون بسیار کم کرده است زیرا که حمله سواره
بسیار مشکلست محاربه با پیاده نظام قابلی که مسلح با سلحه جدیده باشد و نیز نمیتواند
مدت زیادی در مواجهه توپخانه که مرکب باشد از توپهای خوانداری
سوار در جنگ باید حتی الامکان غافل بسمت دشمن حرکت کند یعنی در محلی خود را مخفی
دارد و ناگهان با کمال سرعت خود را بسمت دشمن اندازد و چون حمله را با تمام
رساند با همان سرعت خود را عقب کشد و چون سوار زیاد نمیتواند با یک طریق
حرکت کند پس آن را بچندین جزو قسمت میکنند و عده اشخاصی که در هر قسمت یافت
میشود از صد است الی پانصد یا ششصد و کلیة سواره را قسمت میکنند بچندین
رژیمان

رژیمان پانصد یا ششصد نفری و هر رژیمان از چهار اسکادرون (یعنی دسته سوار) قسمت
میکنند در نمسه و ایطالیا و ترکی عثمانی هر رژیمان از هشت اسکادرون ده نفری ترکیب میکنند
دیگر از سواره باید همیشه اجتماع قرار کرد و استعمال این قسمت بجهت ملاقات سواره دشمن است
و نیز جهت تعاقب کردن قشون اوست وقتی بواسطه پیاده و توپخانه مارو بهزیمت نهاده
باشد زیرا که وقتی پیاده نظام نظمش به بی نظمی مبدل شد میتواند مدافعه کند با سوار و سوار
یک تعاقب و حمله شدید میتواند منهدم نماید تمام قشونی که فرار اختیار کرده اند بسیار مقتضی است
که سواره نظام چند دسته از توپخانه سواره و هم یعنی توپخانه که توپچیانش سوار باشند
داشته باشند و این توپخانه بسرعت سوار حرکت میکند و هنگامی که ملاقات کند پیاده نظام منظم را توپخانه
توپخانه سعی کند با غتشاش و انهدام آنها و سواره آنها را تعاقب نماید و قبل از جنگ پیاده
نیز مفید بل لازم است و سواره باید همیشه نزدیک قشون دشمن باشند و ملاحظه نماید
حرکات آنها را و به بزرگ قشون آن حرکات را خبار دهد و نیز تلف کند آذوقه جاتی که
برای دشمن حمل میشود و منع نماید دور شدن قسمتهائی کوچک را از قشون و حمله
نماید دشمن را و نیز ملجا رساند و آنرا که با نظم جنگی حرکت کند و غذا خوردن را
برآنها مشکل نماید و هر چه از اغذیه و اشربه بیند تلف کند اشکست اسلحه نیست
بجهت سوار زیرا که ممتنع است از فاصلهای بعیده تیراندازی کند و مؤثر باشد و بهترین
اسلحه سوار شمشیر است و نیزه
سواره اثر خود را نه تنها با اسلحه خود ظاهر میسازد بلکه بواسطه شدت سرعت خود بخوف

می اندازد دشمن را از این بیانات معلوم میشود که سواره نمیتواند در حالت ایستادن
مقاومت نماید حمله را و قوتش بسته بسرعت اوست و باید همیشه حمله کند نه اینکه متحمل حمله
شود و اینجمله باید در حالت احتیاج بشود و با کمال نظم
حمله با ستون فرار صورت نامطبوعی است زیرا که قسمت اول با تفراوه میتواند اسلحه
خود را بکار برد و اثر خود را بروز دهد و در سایر قسمتها اثری موجود نیست و نیز
ستون از آتش دشمن صدمه زیاد می کشد و نظمش بسهولت باغتشاش مبدل میشود
وقتی که سواره عددش زیاد نباشد باید بحالت دشتبانی حمله نماید و در اینحالت
میتوان بفایده تصور نمود صف دویم را بجای مقتولین و مجروحین صف اول قرار بگیرند
و صف دشتبان باید با انتظام و اشخاصش نزدیک یکدیگر باشند تا اینکه تماماً یکدفعه
بمحل حمله برسند و این مطلب از جمله مهمات بزرگست
خط دشتبان پس از حمله بی نظم میشود و اینحالت بجهت سوار بسیار خطرناکست و نمیتواند
کاری از پیش برد در صورتیکه دفعتاً بر آن حمله کنند پس باید که اشخاص مشق زیاد
کرده باشند بجهت حمله کردن و منظم گشتن با سرعت تمام و علاوه بر این همیشه
باید عقبه داشته باشیم که آماده حمایت باشند حمله کنند کار زار در حالتی که پیش از منظم
گشتن بر آنها حمله وارد آید یک اسکادرون با خط مجتمع حمله می کنند و دیگر زمان
بحالت دشتبانی باید مابین اسکادرونها فاصله از ده تا ۱۵ قدم فاصله باشد زیرا که در
خط مجتمع با آسانی نظمش بر هم میخورد یک رژیمان با حرکت یک اسکادرون نیز میتواند

حمله کنند در حالتیکه فاصله این ایستاده و پیاده ۱۰۰ قدم باشد عقب حرکت پیاده [illegible]
باسانی حرکت به پیش نمود ولی نقص بزرگش اینستکه اگر از پهلو بر آن حمله آرند دفع آنرا با کمال
میتوان کرد و پس حمله کردن با حمله پیاده صاحب چهار حمله متوالی است و هر حمله و تیش بقدر حمله
یک ایستاده و نسبت حمله با پیاده خوب است اگر بطوری قرار گرفته باشیم که بتوانیم از پهلو به دشمن حمله آریم ولی
کلیة حمله با دسته‌ها و ستونها را باید ترجیح داد

هرگاه ممکن باشد باید پیش از حمله اطلاع بحالت و چگونگی زمین پیدا کنیم زیرا که خندق یا مانع بسیار
کوچکی که قبل از وقت ندیده باشیم میتواند تمام نظم را بر هم زند و باعث تلف شدن تمام [illegible] گردد
حمله با ستونها از جمله با پیاده بهتر است از چند حمله متوالی از جا جنبش کمتر [illegible] چند آتش دشمن را
حالت پراکندگی سواره منتظم نیست و مخصوص حل [illegible] استعمال میکنند

که حمله نمایند به توپخانه و پیاده که نظمش بکلی مغشوش شده و رو به هزیمت نهاده باشند
و نیز از استعمال میکنند سواره حمله به پیاده نظامی که با کمال نظم باشند
و توپ و هنگامی که تفنگ خود را زود خالی کنند و با این عمل میتوانیم سواره را تجمع
موقع مناسب پیدا کنیم تا آنکه حمله خود را بسهولت مجری دارند

اینجا عده سواره کافیه دارد که هرگز حمله کند به پیاده نظامی که صاحب نظم باشد و بتواند
اسلحه خود را بکار برد زیرا که در این حالت از حمله او کاری از پیش نرود و سواره حمله به پیاده نظام
باید سوار موقعی را انتخاب کند که دو آن قشون پیاده منظم نباشند تا بتواند در حین حمله برادویدش آورند

آورند

فصل سیم
در معرفه قسمه توپخانه

توپخانه مرکب است از اسلحه آتشی بسیار ثقیل که کمتر میتوان از جا نقل کند و با آن شش [illegible]
نوع انقسیم اسلحه بسیار مختلف است اگر چه از آنها بسیار خفیف الوزن شده مانند زنبورک
و بسیاری بقدری ثقیله که وزنشان ۲۰۰۰ من و باروتشان سی من و گلوله آنها ۲۰۰
من میشود و ما در این مبحث گفتگو میکنیم از توپخانه جنگی یعنی توپخانه که جمیع اوقات
همراه قشون است و در جمیع جنگها بکار برده میشود و در این حالت واضح است که باید توپهای
آن بسیار ثقیل نباشند و توپهای خفیف الوزن کوچک و اثر آنها غیر ممکن [illegible]
اسبهائیکه بجهة کشیدن کتوپ استعمال میکنند هشت است ولی معمولاً شش اسب قرار
میدهند بجهة کشیدن آنها

توپ بر دو نوعست غیر خاندار و خاندار و اکنون در تمام ممالک نوع اخیر را استعمال میکنند
و گلوله انقسیم توپها مختلف است و عمده آنها از این قرار است نارنجک و شراپنل و جعبه ساچمه نارنجک
گلوله است مجوف و عرقه آن مخروطی است و جزو استوانه شکل و جوف آن مملو از باروت است
مشتعل میشود گلوله را متلاشی میکند و شراپنل نارنجکی است صاحب تجویف که علاوه بر باروط
در جوفش گلولهای خورد میگذارند و جعبه ساچمه عبارت از جعبه است که از حلبی میسازند
و مملو است از گلولهای کوچک همان قسمیکه سربازها را جمع میسازند و از آن گردان و باطالیان
ترتیب میدهند از توپخانه نیز چند توپ را جمع مینمایند و دسته و از آن ترتیب میدهند

یکدسته مرکب است از ۶ یا ۸ توپ ولی هرگاه عددش هشت باشد بهتر است و هر دسته منقسم میشود بدو دسته و هر دسته بدو بهره و از اجتماع چندین دسته گردان صورت بسته میشود و علاوه بر توپ در هر دسته چند عراده دیگر یافت میشود که محل نقل قورخانه و اسباب که لازم میشود بجهة ساختن تدارکات جنگی و مرمت توپها و عرادهای شکسته توپخانه که در جنگ استعمال میکنند بر سه قسمت توپخانهٔ سواره و توپخانهٔ پیاده و توپخانهٔ مرکوب در توپخانهٔ سواره جمیع توپچیان سوارند و غنیمت این نوع توپخانه اینست که سرعت حرکتش بقدر سواره است و باین واسطه او را مفید میشمرند ولی صدمه اش زیاد است از آتش دشمن و قیمت تهیه کردنش گران

در توپخانهٔ پیاده جمیع توپچیان پیاده اند بجز اشخاصیکه عامل توپ بند و این نوع توپخانه بطیئی تر از پیاده نظام حرکت میکنند زیراکه جهة اجتناب از موانعی که رخ میدهد باید از راه دور حرکت داد ولی از آتش دشمن کمتر صدمه میکشد و قیمت تهیه کردنش چندان گران نیست

توپخانهٔ مرکوب بهترین اقسام است و بجهة آن باین اسم نامیده شده است که در روی عرادهای آن اسبابی ترتیب داده اند که در هنگام حرکت توپچیان در روی آن می نشینند و در این نوع توپخانه خاصیت قایم توپخانهٔ سواره و توپخانهٔ پیاده مجتمع است و در ایران این عصر بجز توپخانهٔ پیاده توپخانهٔ دیگری یافت نمیشود

طریق استعمال توپخانهٔ جنگی

توپخانه باید حمایت کند سایر اسلحه را پس استنباط میشود که باید حرکاتش مثل حرکات آنها باشد و باید توپخانه بقدر کافی متحرک باشد تا آنکه بتواند حرکات خود را بجهتی مجری دارد و باید صاحب‌منصبان توپخانه حرکات را خوب بدانند و بتوانند آنها را در هر قسم از اراضی مجری دارند و در هنگام جنگ توپخانه نباید خود را بدشمن ظاهر سازد مگر وقتی که میخواهد شروع بآتش نماید

در تعیین موضع توپخانه

انتخاب موضع و محل التجای توپخانه بطور شایسته از جمله مهمات است اولاً نباید غالباً و دائماً تغییر مکان کرد و هنگامی که موضعی انتخاب شد باید بقدر امکان در آن محل مقاومت نمود ثانیاً نباید توپخانه را به تقسیمات عدیده قسمت کرد بلکه باید حتی‌المقدور آنها را مجتمع ساخت ثالثاً نباید آتش توپخانه را متفرق نمود بلکه باید همیشه آنرا در نقطهٔ مجتمع ساخت این سه قاعده حکمی است ولی بنتیجه شایسته نرسد مگر آنکه با اعمال مجری شود

موضع توپخانه را باید بطوری تعیین نمود که بتواند مدت زیادی تیراندازی کند بدون آنکه مانع گردد حرکات سایر اسلحه را و عموماً بهترین مواضع در جاهایی است در صد گز قدری پیش از عقبهٔ بزرگ پیاده قرار گیرد هرگاه قرار دادن توپخانه در مقابل قسمتهای دیگر لازم باشد و اجتناب از آن ممتنع باید بجای تمام آن قسمتها محل خود را تغییر دهد زیراکه آتش توپخانهٔ دشمن مصادم خواهد بود توپخانه نباید در فاصلهای سایر قشون

باید میان اجتماع آنها واز و هرگاه اجتناب بآنان ممتنع باشد باید از جناحین آن تا اجزاء سایر قسمتها تقریبا ۱۰۰ قدم فاصله باشد

توپخانه نباید مطلقا در عقب قشون واقع شود و اگر لازم باشد که توپخانه در فاصله بعیدی قرار گیرد باید کمکی از سواره یا پیاده با و ملحق ساخت تا هنگام حملهای ناگهانی دشمن اورا حمایت کند و عموما هر دستهٔ توپخانه کمک که در آن میدهند طبیعت زمین باید طوری باشد که هر عراده توپ بتواند باسانی اعمال خود را مجری دارد و در اینحالت باید زمین از قفا در زیر عراده سخت باشد زیرا که اگر سخت نباشد عرادها در آن فرو میروند و نیز باید زمینی که محل استقامت توپخانه است افقی باشد تا آنکه عرادهای توپ بلند و پست نگردد زیرا که اگر چنین نباشد توپها منحرف میشوند و نمیتوان بدقت تیراندازی نمود و توپ نیز بجز بی نشانه نمیزند

موضع منتخبه نباید از ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰ قدم دورتر باشد از مقصد زیرا که این فاصلها باثر زیاد میتوان تیراندازی نمود ولی اگر هدف بسیار بزرگ باشد ممکن است از فاصلهای بعیده و بشرح بی آتش فشار کرد

اراضی واقعه ما بین محل استقرار و مقصد باید مکشوف و سخت باشد زیرا که اگر سخت نباشد گلوله بخاک فرو خواهد رفت

موضع مرتفعی که شیبش مستوی و زاویه‌اش بسیار کوچک باشد مطبوع است ولی بسیار نامطبوع است آن موضع بسیار مرتفعی که زاویه شیبش عظیم باشد زیرا که اولاً

ابتداء سیر گلوله از اعلی باسفل است ثانیاً اگر اغلب ممتنع است که از قله این مرتفع تمام سطح شیب را هدف گرفت

و باید از استقرار در نزدیکی جنگل و بیشه و سایر اشیائی که ممکن است باعث تقرب دشمن گردد بدون آنکه مرئی شود اجتناب نمود اگر چنانچه لابد شویم از تصرف چنین موضعی باید تصاحب نمائیم تمام مواضع خطرناکی که از آن قسمت پسند و طبیعت زمین باید بطوری باشد که مانع نشود حرکات توپخانه را و کلیتاً در جنگ حزوی باید بتوان باسانی به پیش حرکت نمود و در جنگ دفاعی بعقب و باید حتی الامکان توپها از آتش دشمن پوشیده شده باشند محل استقرار باید متوازی باشد با محل التجای توپخانه دشمن والا دشمن بطول موضع تیر خواهد نمود و توپها باید تقریبا ۲۰ قدم از یکدیگر فاصله داشته باشند بسیار مغتنم است که توپها را در عقب جان پناه کوچکی از زمین قرار دهیم بخصوص هرگاه بتوانیم موضع او را در پس تپهٔ کوچکی قرار دهیم بطریقی که دهن توپ از قلهٔ آن خارج شود

هرگاه خاکی که بلافاصله در جلو محل التجا است نرم باشد جزء عظیمی از گلوله دشمن در آن فرو میرود بدون آنکه اذیت و صدمه بما وارد آورد و محل استقرار نباید در عقب دیوار یا تپه‌ای از ریگ واقع باشد زیرا که گلوله دشمن پس از تلاقی آن مکان را میپراند که باعث اذیت توپچیان میشود

هر وقتی از اوقات که ممکن شود باید در روی زمین گودال و جان پناه کوچکی ترتیب داد بجهت هر عراده توپ و پهلوی آن خندقی بجهت توپچیان بنا نمود

انتخاب نشینی که باید برای تیراندازی نمود بسته است بنتیجه که از جنگ داشته باشند
در ابتدا اغلب نسبت توپخانه دشمن تیراندازی کنند و مدتی بعد اگر دفاعی شدند
بسمت پیاده نظام و اگر خروجی بسمت توپخانه دشمن آتش مینمایند و در اینحالت باز
قاعده کلیه را نباید فراموش کرد که نباید هرگز آتش را در محل وسیعی پراکنده نمود
بلکه باید همیشه دفعتاً بسمت یکنقطه جمیع ساخت هرگاه هدف بسیار بزرگ باشد باید
از فاصلهائی که از ۲۵۰۰ قدم تجاوز کند تیراندازی نمود و نباید از ۵۰۰ قدم یا
از ۱۰۰۰ قدم نزدیکتر شد بدشمن زیرا که اگر ازین فاصلها نزدیکتر شویم پیاده نظام
دشمن با آسانی توپچیان و اسبها را هدف خواهد گرفت

هر یک از اقسام گلوله را در هنگام مقتضی انتخابش را لازم هشیار زند نارنجک
اغلب از سایر اقسام گلوله بیشتر استعمال میشود و بهتر است ولیکن هرگاه ملاحظه کنیم
که قشون دشمن مدت زیادی در یک محل زیست نموده و بحالت ستون عریض یا
قلعه بزرگ هستند بکار بردن شراپنل در اینحالت موثرتر است و وقتیکه بسیار نزدیک
باشیم بدشمن و مسافت کمتر باشد از ۵۰۰ ذرع جعبه ساچمه در آن هنگام بهتر از
انواع گلولهاست ولیکن توپخانه نباید بسیار نزدیک شود به پیاده نظام دشمن
و استعمال جعبه ساچمه مطلقاً بجهت جنگ دفعی است وقتی که توپخانه از هر خطری
ایمن باشد

در قاعده تیراندازی

شرط عمده تیراندازی و نشانه زدن اینکه در مدس فاصله صائب باشند
اول حساب فاصلها را میکنند و با آن فاصله تصوری قراول را قرار میدهند و پس
از آن نارنجک اول را امتحان میکنند بجهت اینکه ببینند گلوله دورتر از آن مقصد میرود
می‌افتد یا دیگر پس از آن ملاحظه مجدداً قراول را منظم مینمایند و بهمین ترتیب عمل میکنند
تا اینکه گلوله در محل صاحب فرود آید و این امتحانات زمانی کافی لازم است و در آن ضخامت
که در جنگ از آن زمان نوبت گذشته و تقریباً همین است دلیل اینکه توپخانه نباید حتی الامکان
تغییر دهد محل استقراری خود را زیرا که در هر موضع جدیدی مکرر باید قراول توپ را
منظم نماید و کلیتاً می‌توان گفت که فاصله دو موضع متوالی باید از چهار صد قدم
زیاده باشد وقتی که بسمت قشون تیراندازی میکنند باید همیشه نارنجک و شراپنل
در جلو هدف بترکد زیرا که پارچهای قمپوز و گلولهای شراپنل همیشه منتشر و پراکنده
میشوند و بسمت پیش میروند وقتی که مقصود از تیراندازی خراب کردن دیوارها
دیگر باشد باید گلوله پس از دخول در آن موضع بترکد و در صورتیکه از آتش دشمن
بسیار صدمه وارد آید باید با آرامی تمام قدری به پیش حرکت نمود و اغلب دشمن این
تغییر جزئی را ملتفت نمیشود و با همان درجه که قراول را ترتیب داده بودند تیراندازی میکنند
بنابراین گلوله اش از محل مقرری با تجاوز مینماید و دورتر میافتد باید قبل از جنگ
از محل مدافعه بعد بعضی از مواضع که در جلو آن مکان واقعست اندازه گرفت و علامت
گذاشت زیرا که با این عمل با اطمینان تمام اندازی میکنیم بدون اینکه تلف نمائیم

وقت خود را چه اندازه کردن فاصله و تیر باشد میتوان از ۳۰۰۰ الی ۴۰۰۰ ذرع تیر
اندازی نمود در صورتیکه قشون مجتمعی را ملاحظه کنیم و در اینحالت باید با آرامی تیراندازی
کرد زیرا که وقت اول فقط با تعیین فاصله مشکلات و برای صحت آن باید وقت زیاد بمصرف
داشت و چون پیوسته دشمن نزدیک شود تیراندازی را باید سریع کرد و وقتیکه فاصله
۱۵۰۰ ذرع رسید باید در هر دقیقه دو یا سه تیر خالی کرد چون تقرب دشمن بدرجه رسید
که استعمال جعبه ساچمه لازم آید باید هر توپی با کمال سرعت تیراندازی کند

در صورت بندی توپخانه

در هنگام جنگ همیشه توپخانه بحالت گشتبانی نیست و فاصله ما بین توپها ۱۵ قدم
و در هنگام حرکت میتواند چند قسم ستون بندد
وقتی که جنگ شروع میشود اغلب توپخانه را بحالت گشتبانی نگاه میدارند و در آن
حالت فاصله ما بین توپها ۵ قدم است و با تنقاقون آن نیز میتوان جستجو نمود بطوریکه
که عقب هر یک آنها عراده توپی مخفی شود
در جنگ همیشه همراهی توپخانه عراده تدارک و قورخانه است و همراه آنها باید حتی‌الامکان
موافق حرکت توپخانه باشد ولی باید بفاصله واقع باشند که مواجه آتش
حقیقی دشمن نگردند

فصل چهارم

معرفت تصور مختلفه اراضی است مقاصد جنگ است و چون معمول به اینست

باید

باید صاحب منصبان معرفت تامی باراضی و اسلوبیکه در مدت جنگ بکار برده
میشود داشته باشند
هر زمینی که باشد خالی از سه قسم آن نیست
قسم اول جزئیات از سطح زمین که سخت و جامد باشد
قسم دوم جزئیات از سطح زمین که مایع باشد
قسم سیم مواد مختلفه است که در سطح زمین واقعند
قسم اول (سطح جامد) منقسم شده بر جلگه و بلندی و گودی اما جلگه جزئی از سطح زمین است
که تمام مواضع او تقریبا یک ارتفاع باشد اما بلندی مواضع بسیار بلند را
جبل و پست را تل نامند جزء اعلای از هر جبال و تل را قله گویند و جزئی از جبال
که بزمین متصل شده باشد موقع گویند و جنبه‌ئی که واقع است ما بین قله و موقع
شیب نامند
چون از کوهی تعریف کنند باید از محیط و ارتفاع و کیفیت اشکال مختلفه شیب آن
گفتگو کنند شیب ممکن است مسطح باشد پس از آنکه نوخت گویند و اگر مستوی نباشند
مقعر یا محدب نامند شیب کوه با سطح زمین زاویه احداث مینماید چنانچه
شیب AB با سطح AD زاویه ۱۴° احداث نموده و شیب BD با او زاویه ۸° صورت داده
بجهت اعمال جنگی باید بکار برد آن شیبی را که از ۴۵° علاوه باشد لازم نیست که
بدقت محسوب داریم چه جمیع زوایا را تا ۴۵° بر نه جزء قسمت کرده اند و جنبه

پیچ پیچ محسوب میدارند و میگویند شش واگتقی به ۱۴ و ۲ دارد بلکه گویند این شیب و تپه خواست

نشیب ٠ درجه تقریبا تجهیه پیاده و سواره و توپخانه مناسب است و پیاده از تیراندازی از واز به نشیب بتر آید و حال آنکه سواره را حوا از نشیب بفرار نستوده و مغتنم است

اما زاویه ۵ درجه فرود آمدن پیاده مجتمع مشکلست و نظم آنها با آسانی اغتشاش پذیرد و سواره را حمله بردن جز بر فرازی مطبوع نیست و نتوانند بسراز یری حمله برد و توپخانه بصعوبت بالا رود و باید عراده آنرا در وقت نزول نگاه داشت

اما در زاویه ۱۵ پیاده باز با جتماع میتوانند بالا رفت ولی در نزول مقدور نیست و سواره نتواند بالا رود جز به پراکندگی و توپخانه بشکل مارپیچ صعود و هبوط نماید

در زاویه ۲۵ پیاده را بحالت اجتماع صعود و نزول ممکن نیست و سواره منفردا اگذشتن ممکن است

در زاویه ۴۰ پیاده فرد فرد امیتواند بالا رود

در زاویه ۴۵ پیاده صعود با دست ها ممکن است

اما کوه بریده و سیل و شعبات منقسم میشود

دره محل مقعریست که بسیار ممتد باشد مانند رود

سیل عبارت از دره های بسیار کوچک و کم عرض است

شعبات انهائیکه صاحب عمق فقط دو صفت اند که باشند

و در تعبیری تعین کرده اند اجزاء آینه را قعر که جزء اخیر عمق است و اطراف که حد فوقانی است

و پهلو که متصل میسازد قعر را با طراف

رشته از جبال و تپه ها را سلسله و تلال گویند

ربوه زمین مسطحی است که در روی کوه یا تلی یافت شود

اما جزء رابع سطح زمین آنرا دو قسم معین داشته اند یکی آب جاری و دیگری آب راکد

محل مقعری که در او آب جاری میشود رود خانه گویند و دیگر جویبار

مکانی که آب شروع در جریان نماید به چشمه گویند و مکانیکه آبی با آب دیگر ملحق شود دهنه یا آبشور گویند

در وقت گفتگوی از رودی هر گاه کلمه اعلا را استعمال نمائیم مقصود سمتی است که بسر چشمه نزدیک است و هر گاه کلمه اسفل را مقصود سمتی است که به آبشور اقربست اطراف هر رود را ساحل گوئیم ساحل یمین بسمت یمین و ساحل یسار بسمت یسار واقع میشود در وقتی که خیابان قرار گیریم که پشت بسمت سرچشمه و رو بسمت آبشور باشد قعر هر رود بر حسب طبیعت مختلف میشود یعنی ممکن است که از سنگ یا ریگ یا گل پوشیده شده باشد فاصله که واقعست ما بین سطح آب و قعر که با چوب یا طناب اندازه گرفته میشود عمق گویند

گذشتن از رودی ممکن است یا غیر ممکن بر حسب طبیعت قعر و عمق آن اغلب دانستن سرعت حرکت آب لازم میشود و بجهة اندازه گرفتن آن چوبی در آب میاندازند و ملاحظه مینمایند که چند ذرع در مدت یک دقیقه یا یک ثانیه می پیماید

هر گاه در محلی عمق رود بقدری کم باشد که بدون شنا کردن بتوان گذشت و آن محل را

گدار گویند و هرگاه بخواهند از آن در عمل نظامی بکار آرند باید ملاحظهٔ طبیعت قعر آن نمایند
بعضی از گدارها در بعضی از فصول بسیار خوبند و در بعضی دیگر نیز ممکن است عبور از آن بسبب گلی
که در او جمع میشود باید ملاحظات دقیق بکار برد پیش از معرفت باحوال آن آب راکد بر حسب درجه
عظمت برکه (دریاچهٔ کوچک) و لاک و بحر منقسم میشود میتوان اشیاء منفصلهٔ ذیل را نامید
آب راکد ملاحظه نمود مثل چمن مرطوب که در فصل خشکی پیاده و سواره میتوانند از او عبور نمود
و دیگر باطلاق است که بعضی اوقات منفرد میتوانند گذشت ولی کلیه از این مواضع عبور غیر
ممکن است

اما مواد مختلفه که در سطح زمین یافت شوند ـــ سطح خاک را زمین گویند و چون اراضی
از سنگ پوشیده شده باشد سنگلاخ گویند و در این مواضع حرکت بسیار صعوبت
دارد و باعث خرابی کفش پیاده و نعل اسبان و عرادهٔ توپ میشود
چون اراضی از ریگ پوشیده شده باشد ریگزار گویند و پیاده را تند حرکت کردن
در ریگزار مشکل است و در وقتی که این اراضی مرطوب باشند در روی آن آسانتر میتوان حرکت
نمود   و قسم سیم زمین مزروعست و حالت این نوع اراضی تغییر میکند باختلاف
فصول یعنی اگر خشک باشد بآسانی از آن میتوان عبور نمود و چون مرطوب شود
ممکن است که عبور از آن ممتنع باشد
تقریباً در تمام مواضع زمین نباتات یافت میشود و این نباتات میتوانند در اعمال نظامی
اثر زیاد داشته باشند چنانچه عبور از مزرعه که گندمش بسیار بلند باشد مشکل است

ولی عدهٔ کثیری از لشکر را در آن میتوان پنهان نمود
و نیز اشجار در اعمال نظامی بسیار مفیدند وقتی که عدهٔ زیادی از آنها در موضعی جمع شده باشند
جنگل گویند
جنگل کوچک را بیشه گویند و هرگاه دست غرس شده باشد جنگل مصنوعی نامند
و هرگاه آن محل بسیار کوچک باشد باغ گویند
راه بر چند قسم است یکی مفروش که از سنگهای عظیم پوشیده شده است و عموماً امثال آن
در شهرها دیده میشود
و دیگر شوسه و آن راهی است که مفروش است از احجار خرد که با شن مخلوط شده باشد
و این نوع راه همیشه مطبوع است   و راههائی که در ساختن آنها مانند شوسه اهتمام ننمایند
در فصول [illegible] چندان خوب نیستند
بناهائی که بکار برند بجهت عبور از امکنهٔ عمیقه که خشک یا مملو از آب باشد پل نامند و پل دو
قسمت یکی دائمی و دیگری موقتی پل دائمی آنست که همیشه در محل خود مقرر باشد و پل موقتی
آنکه در بعضی اوقات بکار آید
پلهای دائمی از سنگ یا چوب یا آهن ساخته شود و بهترین پلها پلهای سنگی است که مستقر باشند
در مدت جنگ اغلب خراب کردن پل لازم میشود و وسائلی که بجهت این عمل بکار میبرند
مختلف است بر حسب بنای آن پل آهنی و سنگی را بواسطهٔ نقب خراب کنند پلهای چوبی را
ممکن است بسوزانند یا بسته بنمایش اراده کنند و در وقتی که صاحب منصبی دستور العمل

سواره میتواند نزدیک شود و دشمن را بدون آنکه دیده شود پس از حمله بدون عجل دیگر را
بسرعت اختیار کند و مکرر حمله نماید و این نوع زمین بجهة گزیدها و اشخاصی که در کمین نشسته
و حملهای ناگهانی نیز مطبوعست ولی بجهة توپخانه چندان خوبی ندارد و زحمت پیش
قراول در اینمواضع زیادست و باید دقت زیاد نماید

زمین را ذو عارضه گویند چون در آن خندق و باطلاق و سیل و تقبه و امثال اینها
بسیار یافت شود که مانع حرکت سپاه باشد و چنین زمینی بجهة سوارها بسیار بدست
و پیاده آسانتر میتواند حرکت نموده از این موانع بگذرد و گاهی آنها را پناه خود
سازد و توپخانه بصعوبت حرکت میکند ولی اغلب مواضعی بهم میآید که بسیار خطرناک میشود
برای دشمن ممکن است زمین هم مسدود شود و هم ذو عارضه در اینصورت چنین زمینی
دارای غنیمت و نقص بهره می باشند این نوع زمین بهترین اراضی است بجهة
قشون پیاده دانائی که صاحب سرکرده کان مدبر و کاردان باشند تا بتوانند مغتنم شمارند
عوارضات زمینی را سواره در اینمواضع کاری از پیش نبرد و برای توپخانه
حرکت خطرناکست و مشکل ممکن است زمینی مفتوح بنظر آید و چنان گمان کنیم که بطرف
باجوالش لازم نیست ولی این گمان خطاست و آسانی فریب خواهیم خورد زیرا
که در این اکثر اغلب ملاقات میکنند مواضعی را که اراضی مواجه نامند یعنی
از تفاعات طویل منظم و مسطحی یافت شوند که بواسطه درهای عریض و
کم عمق از یکدیگر منفصل گشته اند و این بلندیها مثل جلگه بنظر می آیند و بتمام

این نیست که زمینی را میدید همیشه متذکر شود که مصالح پل از چه قبیل است و آیا آنقدر استحکام
دارد که بتوان توپ را که از آن گذرانید و یا آنکه منحصر است بجهة گذشتن پیاده و نیز باید متذکر
شود که سهلترین وسیله خراب کردن پل کدام است

سابق بر این ملاحظه شد که اقسام زمین کدام است و حال بطور کلی از آنها
گفتگو میکنیم

چون زمین را نسبت بحرکات لشکر ملاحظه کنند میتوانند آنرا به سه قسم نامید زمین مفتوح
زمین بسته و زمین ذو عارضه زمین را مفتوح مینامند چون در روی آنها نمی یافت نشود
که باعث پنهان کردن قشون گردد یا آنرا مانع از حرکت باشد این نوع زمین مساعدست بجهة
سرعت و جنگ سواره و توپخانه بسیار مناسب است که زمینی چنان مکشوف باشد که دسته
کوچکی از پیاده در آن نتوانند پناهی پیدا کنند و این نوع زمین بجهة گزیدها بسیار نامطبوع
زیرا که دشمن میتوانند از مسافت بعیده آنها را ملاحظه کند و در چنین مواضع
مطمئن نیستیم از حملهای ناگهانی

زمین را بسته گویند چون در آن خانه و باغ و امثال آن بسیار یافت شود که مانع از دور
دیدن باشند ولی حرکت سپاه را چندان مخل نشوند و این نوع اراضی بسیار مساعد
قشونهای کوچک است زیرا که هر یک در موضعی بجهة خود پناهی ترتیب دهند پیاده را تا
مقاومت بیشتر میشود هرگاه در اینمواضع باغی یا خانه یا چیز دیگر را متصرف باشند

کیفیاتی که در آن درها یافت میشود ملاحظه کنیم و نیز در این موضع بر حسب اتفاق طاقها
و سیلها و شقیاتی یافت میشود که علاوه بر آن ملاحظه نمود جز آنکه نزدیک باو باشیم

هر گاه عبور از محلی جز از معبر تنگی ممکن نباشد آن معبر را تنگه گویند چنانکه طول کوهها
و دره های کم عرض که در سلسله جبال یافت میشوند تنگه است در این مواضع تنگه
ممانعت مینماید از وقت طول حرکت کنیم و نیز باز میدارد حرکت قشون را
چون عده داشتن باشد

بسیار مشکلست عبور از تنگه که دشمن متصرف باشد این حالت مخصوصاً بجهة سواره
و توپخانه خطر دارد ولی باید سهولت مدافعه نیز میشود چنانکه اگر قشون بسیار کمی در پس
تنگه باشند میتوانند مدت مدیدی در مقام مدافعه دشمن بر از خود بر آیند
هر محلی هم از آنکه تنگه باشد یا غیر آن تعلق بقشونی دارد که در آن حرکت میکند مثلاً
پل همیشه تنگه است ولی دره که عرضش ۲۰۰ ذرع باشد بجهة قشون چهل هزار نفری
تنگه است لیکن بجهة دسته صد نفری تنگه نیست

فصل پنجم

ملاحظات کلی چندی در حمله و مدافعه

بعضی اوقات در جنگ اتفاق می افتد که دو قسمت قشون با هم تلاقی میکنند و بر یکدیگر
حمله مینمایند ولی چنین عمل بسیار نادر است عموماً یک جزء حمله میکند و جزء دیگر

مدافعه

مدافعه مینماید مینامند مبارزه از آنکه تجسس نماید و حمله میکند بر جزء دیگری که مخصوصی
محض مدافعه جنگ خود ترتیب داده ولی در ابتدای محاربه میتوان گفت که فلان جزء حمله میکند
و فلان جزء مدافعه مینماید زیرا که در هر محاربه مواقعی هست که مدافع باید از موضع
خود خارج شود و رد حمله مجری دارد و بنابراین مبارز مدافع میشود

هرگاه مدافع رد حمله مجری ندارد مرتکب چنان خطای عظیمی گشته که احتمال قوی
در شکستش میرود دفاع با رد حمله را مدافعه کاری گویند و دفاع بی رد حمله را مدافعه
آرام نامند حمله کردن همیشه مفید است هر گاه تفاوت قوتها زیاد نباشد و اگر
همیشه خود را در مدافعه نگاه میدارد هرگز ظفر کلی نمیکند هر طرفی که از جنگ محاسن خود را
وا رد ولی محسنات حمله اعظم از محسنات مدافعه است و محسنات اصلیه حمله از اینقرار است
اولاً حمله باعث ازدیاد جرئت است مبارز بودن و اعتماد حمله سربازان را
جرئتی میدهد که بسیار عمده است ثانیاً ممکن است که عقبا بر سر دشمن بریزند
ثالثاً مبارز انتخاب میکند نقطه را که میخواهد حمله کند و میتواند در آن محل مجتمع سازد
تمام قوت خود را و حال آنکه مدافع نمیداند که از کجا یورش می آید و مجبور است متفرقه
قوت خود در تمام وسعت موضع خود محسنات اصلیه مدافعه این است اولاً آن
سهولت انتخاب و معرفت دقیق بحالت زمین جنگ ثانیاً استعمال قلاع ثالثاً آتش را
مستور داشتن قشون بطوریکه برای مبارز ممکن نیست را لقا میتوان شروع کرد
قبل از مبارز و برو ضررها وارد آورد پیش از آنکه ابتدا بحمله کند

حمله

مقصود از هر حمله اذیت کردن است دشمن را بقدر امکان و نتیجه حاصل کردن از وفق
هم مطلب باید حمله بطریقی مجری شود که دشمن از خط عقب نشینی خود دور افتد هر قسمت
قشونی جنگ میکند در امتدادی که میل داده در آن امتداد و پناه بعد در صورت هزیمت خواه
در آن امتداد قشون پس تر باشد خواه قلاع یا انبار آذوقه یا آنکه امتداد راه ملکش باشد
هرگاه ممکن باشد دور کردن آن قسمت از این راه عموماً از تمام اسباب کار خود محروم
شده تسلیم شود پس بواسطه یک حمله باید مخوف ساخت خط عقب نشینی دشمن را
حمله را نسبت طریق تمیز میدهند اولاً از آنها را حمله مواجه یا متوازی گویند و آن عبارت
حمله بر دشمن است عقلاً از تمام نسبت موضعش این نوع مشکل است و فایده نزدیک ندارد
زیرا که نمیتوان بخط عقب نشینی دشمن رسید
عموماً این قاعده در جنگ جهت شناختن قوت و مکان دشمن و فریب دادن
او در باب نقطه حقیقی حمله بکار میبرند و دومی را حمله ثاقب یا مخروطی شکل نامند
این نوع حمله عبارت از این است که در هنگام حمله متوازی انتخاب کند نقطه مساعدی
و در آن نقطه قوت عظیمی مجتمع سازند و صف دشمن را بشکنند و بانظر حریق آنرا
بدو قسمت نمایند و با آنها منفرداً جنگ نمایند این نوع حمله را بالخصوص در جنگهای بزرگ
معمول میدارند و در جنگهای کوچک آن را استعمال میکنند وقتی که حمله
از پهلو مشکل باشد و نیز وقتی که زمین پیش آمدگی بسمت مساعدی داشته باشد

ابتدای

نقطه

نقطه از قوت موضع دشمن بجهت استعمال این نوع حمله باید بقدر کفایت قوی بود برای
آنکه دشمن از سه سمت نتواند بر مبارز حمله کند و مبارز باید مطمئن باشد که در نقطه حمله
پیش از قشون مدافع دارد
حمله ثاقب اغلب نتایج بزرگ داده زیرا که با سانی تصرف میکند خط عقب نشینی دشمن را
طریقه سیم حمله از پهلوست و استعمال میشود وقتی که در پهلوی موضع دشمن نقطه مساعدی
باشد نتیجه حمله و برای اینکه از جلو دشمن حمله میکنند و در مدت اشتغال حمله دیگری از پهلوی
دشمن مجری میدارند حمله کردن از پهلوی موضع دشمن بدون حمله از جلو نتیجه نمی بخشد
وقتی که دشمن تاکتیک خطی استعمال کند و اگر دشمن متابعت آئین و رسم جدید کند تبدیل
قوت برایش آسان است و در جنگی که آنرا مجری داشت عمل نتیجه حمله متوازی
و حمله مواجه باید همیشه مجری شود بجهت منع دشمن در اجرای تبدیل قوت بعضی
اوقات واقع میشود تا اتفاق می افتد که باید هم از روبرو و هم از دو طرف حمله برد اما
که در این حال باید قوت خود را بسیار متفرق کند پس بجهت استعمال آن باید عده قشون بسیار
زیادتر باشد از دشمن و چند طرف را باید انتخاب کرد نتیجه حمله نسبت است باقتضای حالت
و کلیتاً طرفی را اختیار کنند که زمین مقتضی آن باشد که مخفیاً و مستوراً نزدیک شوند
و هم چنین آن طرف نزدیک بخط عقب نشینی دشمن باشد بسیار مفید است
حمله از پهلو ممکن است بدو طریق مجری شود میتوان جناح دشمن را دور کرد و میتوان
از جناح آن گذر نمود و در میگیرند جناح دشمن را وقتی که حرکت در فاصله عظیمی مجری شود

[illegible] ج از نیمه من توپخانه دشمن باشد و تجاوز میکند از جناح دشمن وقتی که حرکت از نقطه
کمی از دشمن مجری شود و نتیجه دور کردن جناح دشمن باید بسیار قوی باشیم زیرا قسمتهائی
که این حرکت را مجری میدارند بقدری دور میشوند از قسمتهای حمله کننده از مواجه
که دشمن اگر قوی باشد زمان حمله وارد و نتیجه محاربه و شکست دادن هر قسمتی علیحده پس بجا
از جناح دشمن تقریباً در تمام اوقات طریقه مستحسن است و وقتی که خوب مشق داشته میتوانند
آنرا با فایده تمام اگرچه نسبت بدشمن قوی باشند مجری دارند طریقه حمله هر طور باشد همیشه
انتخاب نقطه حمله از جمله لوازمات است و مثل نقاط عمده حمله میتوان [illegible] اجزا
مواجه و جناح دشمن را که بر آنها آتش موثر میتوان کشود در نقاط مرتفعه [illegible]
[illegible] زیرا که از این نقاط حمله کردن ترجیح دارد
ثانیاً اجزاء مواجه و پهلوی موضع دشمن را که میتوان مستور داد اگر ممکن باشد مخفیانه نزدیک شد
ثالثاً اجزائی که نسبت زوایای خارج جاده احداث میکنند زیرا که نسبت این اجزا میتوان
آتش مجتمع ساخت و بعد بر آنها از چندین طرف حمله نمود و نهایتاً
رابعاً نقاطی که دشمن کم قشون گذاشته ولی این نقاط را در حین [illegible] می‌بینند
نتیجه حمله مقتضی است که بیشتر اوقات [illegible] کنیم جزء معمور را از موضع دشمن زیرا که بعد
از آن باقی آسانتر میشود پس حمله حقیقی مجری میشود منفرداً بتوسط قسمتهائی که [illegible]
شده‌اند در نقطه منتخبه حمله و سایر قسمتها محاربه میکنند محض [illegible] مخفی داشتن بر
دشمن نقطه حقیقی حمله را و مجبور ساختن او را در متفرق شدن و منع او از مجتمع ساختن

قشون خود در نقطه حمله و گویند که آن قسمتها حمله کاذب کرده‌اند و باید حمله‌های کاذب با
کمال سختی مجری شوند مثل اینکه حقیقی باشد به دو دلیل اولاً گاهی اتفاق می‌افتد که
حمله کاذب چنان حالت مناسبتی پیدا میکند که میتوان داخل شد در موضع دشمن
هر گاه با کمال سختی پیش رویم ثانیاً انکه مهم‌تر است آنستکه بواسطه حمله قوی در هر جا
میتوان نقطه حمله حقیقی را از دشمن پنهان کرد
هر گاه قسمتهائی که باید حمله کاذب مجری دارند قبل از موضع دشمن توقف کنند بدون
انکه در آن داخل شوند دشمن بلافاصله قصد ما را می‌فهمد
گاهی اوقات موضع دشمن بقدری پر قوت میشود که از یک حمله جزء بسیار کم بهره برده
میشود در اینحالت میتوان سعی کرد در دور کردن موضع او بدون حمله کردن بر آن
و با امتحان داخل شد از راه دیگر در خط عقب نشینی دشمن و با این طریق مجبور کرد
او را در خلع موضع خود برای اینکه در محل دیگر ما را ملاقات کند شاید که آن محل را
چندان قوت نباشد ولی قبل از امتحان چنین حرکتی در اینجا باید دانست که بدین
طریق دشمن را در خط عقب نشینی خود میگذارند یا اینکه اولاً از او خیلی دور میشوند بعضی
که اگر [illegible] بعد اتفاقاً [illegible] شده ممکن است که سوانح سخت پیش آید
پس بهمین دلیل عموماً باید سعی کرد در دور کردن موضع دشمن بلکه باید سعی کرد در تصرف
آن و نتیجه اجرای چنین حرکت داری بدون انکه در خطر اندازیم خط عقب نشینی را میتوانیم
در جلو موضع او قسمتی از قشون خود را قرار دهیم ولی عیب حرکت بسیار زیاد تر میشود در صورتی

که دشمن نتواند خارج شود و حمله کند و جزئی از قشون را دفعتاً منهزم نماید کلیتاً تقسیم شدن خطاست و اگر خواهیم حرکتی دایره مجری داریم باید تمام قوت خود را عمل نمائیم و دقت کنیم که یک خط دیگری جهت عقب نشستن برای خود نگاه داریم در صورتی که نتوانیم بخط اول برسیم

مدافعه

در مدافعه میتوان زیادتر از حمله از اراضی غنیمت برد و فواید مسئله که مدافع باید از اراضی داشته باشد این است موضع قشون از نظر دشمن مخفی است و قشون در پناه آتش بلاواسطه دشمنند

معرفت دقیق حالات اراضی بسیار سهل میکند فرماندادن حرکات قشون را

و موضع خوب مدافعه باید صاحب محسنات ذیل باشد

اولاً در جلو آن باید عارضه باشد از زمین که بدون منع رؤیت و گم کردن اثر آتش محسوس نشود دشمن یا که از بعضی نقاط مخصوصه حمله نماید و مشکل کند پیش آمدن او را با نظام تمام و از طرف دیگر عوارض زمینی باید طبیعتی باشد که حمله کردن را ممتنع سازد زیرا که در این حالت دشمن بدون حمله کردن تغییر میدهد موضع ما را و موقع جنگ در چنین موضع مفیدی تلف میشود بسیار خوب است که در جلو موضع گودالهای مملو از آب یا مرداب کوچکی باشد ولی هرگاه جهت توقف در عقب دریاچه بزرگ واقع باشد که نتوان عبور کرد واضح است که دشمن از راست یا از چپ

آن دریاچه خواهد رفت

ثانیاً زمین واقعه در جلو موضع باید طبیعتی باشد که آتش اثر خوب داشته باشد از تمام امتداداتی که از آنها منتظر آتش دشمن میشویم توپخانه باید بدون مانع بتواند تیراندازی کند تا دو یا سه هزار قدمی و پیاده تا هزار قدمی

ثالثاً باید بتوان مخفی داشت قشون خود را از نظر دشمن تا هنگام استعمالش

رابعاً قشون (اقلاً عقبه ارکان) باید در پناه باشد از آتش دشمن کاملاً

خامساً باید در خط موضع نقاط تکیه گاه باشد یعنی مواضعی که از آن بتوان آتش جانبی اثری داشت بسیار چیزهای موضعی که تصرف محل موقوف بسته باشد بتصرف آن نقاط و این مواضع از قبیل بلندیهای مناسب و جنگلهای سخت و باغهای دیوار دار و خانهای خوش بنا میباشند

سادساً زمین داخل موضع باید منع کند دیدن حرکات قشون را

سابعاً خارج موضع باید صعب الحمله باشند

ثامناً خط موضع باید عمود باشد بر خط عقب نشینی

تاسعاً زمین واقعه در عقب موضع باید آسان باشد بجهة عقب نشستن و نیز باید در آن امکنه یافت شود که سهل باشد مدافعه در آن تا چند لحظه ولی نه آنکه سکه باشد

عاشراً آنکه زمین طبیعتی باشد که سهل کند تقدم حمله را

بسیار نادر است یافتن موضعی که دارای تمام این شرایط باشد و از قرار درجه که در آن این شرایط موجود میشود موضع را قوی یا ضعیف می نامند و باید رفع کرد معایب موضع را

در حسن استعمال قشون لازم باحتم است که فضای محل توقف متناسب باشد با قوت
مدافع بهترین مواضع نامطبوع است اگر وسعتش بسیار زیاد یا بسیار کم باشد هرگاه
محل توقف بسیار وسیع باشد قشون زیاده از حد متفرق میشوند و هرگاه بقدر
کفایت وسعت نداشته باشد زیاده از حد فشرده میشوند و این سبب ضرر عظیم است
و منع میکند استعمال تمام قشون و معمول داشتن حرکات را باختیار هرگاه تمام
قشون را در خط مدافعه قرار دهند از آتش اول اثر بزرگ خواهند داشت و لیکن بسبب
خسارت و خستگی آتش پیوسته ضعیف میشود و حال آنکه بخلاف باید آتش متدرجا
قوی شود هر قدر که نزدیک میشویم به لحظه قطعی و بجهة این باید در عقب خط اول عقبه
چندی داشته باشیم که بواسطه آنها بتوانیم عوض کنیم قسمتهای خسته را و قوت خط
آتش را در لحظه قطعی زیاد کنیم عقبه ها نیز لازمند بجهة ملاقات حمله های ناگهانی
و بجهة تعاقب کردن دشمن و پوشانیدن خط عقب نشینی
نمیتوان قاعده ثابت قرار داد بجهة نسبت مابین وسعت موضع و قوت مدافع
ولی عموما گویند در دفاع کاری سه تا پنج نفر بجهة هر قدمی از طول جبهه موضع لازم است
پس موضعی که طول جبهه اش ده هزار قدم باشد خوب است جهت قشون سی تا
پنجاه هزار نفری این عدد از قرار خصایص موضع تغییر میکند ولی بجهة قشون
بسیار بزرگ شایسته است و قسمت کوچک از قشون مثل یکباطالیان باید
همیشه مکان وسیع تری متصرف باشد والا بسهولت احاطش

کرده میشود هرگاه مقصود از محاربه حرب کاری نباشد و بخواهند دشمن را مدت
چندی نگاه دارند میتوانند موضعی را اختیار کنند که بسیار وسیع باشد
قاعده تقسیم قشون نسبت تام دارد با اراضی ولی چند قاعده موجود است که باید خوب
بخاطر نگاه داشت
اولا بجهة تصرف یک موضع نباید خط جبهه را پر کرد از خط مجتمع و کفایت میکند بطور
کافی قرار دهیم در خط اول یک عده قشون که لازم است بجهة مقاومت اولین
حد و جد مبارز و بجهة تسلط داشتن بر اراضی ممکن الوصول واقعه در جلوی موضع
بواسطه آتش
ثانیا اسلحه باید متمرکز باشد در زمینی که مساعد است بجهة استقرارش
ثالثا نقاطی که از آنها دشمن مجبور است حمله کند یا آنکه صرفه عظیم میبرد از تصرف
آنها باید محکم تر از سایر نقاط تصرف شده باشند و باید در عقب این نقاط عقبه
چندی قرار داد بجهة امداد آنها و این عقبه ها نباید مداخله کنند در جنگهایی که
که در اکثر دیگرا اتفاق می افتد
رابعا قرار میدهند نیز عقبه مخصوص چندی در عقب جناحی که مستور نشده
باشد بواسطه اراضی
خامسا باقی قشون که جهت استعمال ندارند عقبه بزرگ را صورت میبندند و باید
این عقبه حتی المقدور قوی باشد و چنین عقبه همیشه لازم است خواه قشون

متعدد باشد یا نباشد — خلاصه قاعده که بسیار لازم است و نباید هرگز غفلت کرد این است که در ابتدای محاربه قشون را مجتمع نگاه داریم و در خط اول بقدری که لابد است قشون وارد نسازیم و در مدت محاربه عقبه پر قوتی داشته باشیم

این قاعده چنان مهم است که میتوان بطور حتم گفت که اگر از آن غفلت کنند شکست میخورند و دلیلش این است که هرگز نمیتوان عقبه دشمن را دانست بخصوص اگر در ابتدای محاربه باشد و باید همیشه بتوان متحمل شد حملهای ناگهانی را و هر لحظه که موقع مناسب باشد باید حمله مجری داشت ولی باید درست مطمئن بود از آن موقع زیرا اغلب اتفاق می‌افتد که دشمن حمله کاذب مجری میدارد و خود را بعقب میکشد بجهت آنکه مدافع را بخطا اندازد و بعد از آنکه مدافع از محل مطبوع خود خارج شد مبارز مراجعت کرده حمله حقیقی را معمول میدارد

جای عقبه بزرگ عموماً در عقب مرکز است ولی اگر یکی از جناحین در معرض حمله باشد عقبه با آن سمت نزدیکتر است

محل موقف را باید بقدری که زمان اقتضا میکند محصور کرد و همیشه زمان کافی هست بجهت حفر خندق ساده و مختصری که سربازان بتوانند آنرا پناه خود ساخته و تا درجه ایمن باشند از آتش دشمن و این خندقها بسیار مفیدند

هرگاه دشمن موضع ما را از فاصله بعیدی دور کند آن موضع را باید خلع کنیم و در عقب موضع دیگری اختیار نمائیم و اگر دشمن در حین حمله موضع ما را

پر رکنه تمام قوت خود را تقسیم کرده ممکن است مقطع شویم

هرگاه با کمال سختی حمله کنیم بر یکی از اجزائش و اگر دشمن از فاصله کم در حین جنگ موضع ما را دور کند بر عقبه است که ملاقات کند و دفع نماید آن حرکت را

فصل ششم جنگ در اراضی مختلفه

اول محاربه در مواضع مرتفع

هرگاه آن مواضع مرتفعه عبارت از نقاط غیر متصله باشند لحظه وقتی جنگ در هر یک از آنها واقع خواهد شد و در آن حالت آن مواضع هستند و تکیه گاهی بجهت قشون زیرا که از آن نقاط میتوان مشاهده نمود تمام وقایعی که در اطراف آن اتفاق می‌افتد و نیز حمله قشونی که آنرا متصرف شده سخت است

هرگاه آن اراضی کم رشته متصل شده تمام جنگ در روی آن واقع میشود و قبل از جنگ باید معرفت به طبیعت آن ارتفاعات پیدا کرد و بخصوص دقت نمود در طول و ارتفاع اراضی اطراف و شیب و قله و زاویه آن

(در اعمال تاکتیکی هر وقت گفتگو کنیم از قله کوهی مقصود نقطه ارتفع نیست بلکه مقصود نقطه مرتفعی است که از آن بتوان تمام سطح شیب را ملاحظه نمود) و باید ملاحظه نمود سطح شیب را که آیا هموار است یا آنکه در روییدن اشجار یا موانع دیگر واقع میشود که باعث آسانی تقرب دشمن گردد غالب در روی شیب ... بسیار یافت

تیغه و باید با دقت تام معرفت باحوال تام مواضع آن پیدا کرد زیرا که دشمن همیشه ساعی است که از چنین مواضع صعود نماید

مثلاً حفره‌ای که باید نگاه کرد بوده قله متعدد است که ملاحظه کنند آیا میتوان قشون را در آن مخفی قرار داد و پوشانید از آتش دشمن

اگر سلسله ارتفاعات طول باشد باید روی آن انتخاب نمود مکانی را که باید جای گرفت و قشون در دستجات را قرار داد زیرا که واضح است همیشه نمیتوان طول را متصرف شد که چندین فرسخ باشد

مدافعه

مدافع باید همیشه ساعی باشد در اوقات دشمن پیش از آنکه به آن مکان مرتفع برسد باید او را منع کند از صعود نمودن روی شیب و او را منهدم و بر طرف نماید وقتی که بقله رسید و خلاصه باید از خط عقب نشینی خود مطمئن باشد هر گاه دشمن آن موضع را متصرف شود و نیز بتواند تعاقب نماید دشمن را هر گاه غالب آید و نتیجه اینکه به مقتضیات قشون را به سه جزء قسمت کند یا نتیجه تصرف قله باشد و یا قشون کاری و یا عقبه قله باید تصرف شده باشد بواسطه توپخانه و پیاده و سوار در این مواضع کاری از پیش نبرد

بدواً توپخانه را قرار میدهند بطوری که بتواند دشمن را هدف گلوله سازد پیش از آنکه به شیب رسد و نیز بتواند تمام شیب را با گلوله بزند و منع کند دشمنی را

از

که از سبیل صعود میکند و باید حتی الامکان اجتناب نمود از قرار دادن توپخانه در روی شیب ولی اگر ممکن نباشد که توپخانه تمام شیب را از نقطه ارتفاع بزند باید آنرا در روی شیب قرار داد کلیتاً توپخانه را نباید بقسمتهای کوچک تقسیم نمود بلکه باید معدود کثیری را مجتمع ساخت

بسیار مغتنم است هر گاه توپخانه را در خاکریز پاده قرار دهند زیرا که صدمه میرسد از حرکات قشون و نیز منع میکند دشمن از حرکت دوری هر گاه بسیار خطرناک است باشیم باید یک یا دو عراده توپ در اول آن قرار دهیم که بتواند در طول آن تیر اندازی کند و چون مفید است که دشمن معرفت باحوال قوت و موضع توپخانه ما پیدا نکند از آنرا باید در عقب قله نگاه داشت تا هنگامی که مقام استعمالش رسد

پیاده نظام قرار میدهند زنجیر مخبران را در روی طرف قله و کمک را در عقب آن و این کمکها باید بقدر کفایت دور باشند و نیز واقع باشند در عقب قله تا مرئی دشمن نشوند و کلیتاً مخبران باید شیب را متصرف شد زیرا که مانع میشود تیراندازی اشخاصی که در روی قله واقعند ولی هر گاه در روی شیب موضع مرتفع یا باغ یا خانه یا شیئی دیگری از موانعات زمینی واقع باشد که دشمن بواسطه آن بتواند بآسانی نزدیک شود بدون آنکه از آتش ما بر او صدمه وارد آید باید آن موانع را بواسطه مخبران تصرف کرد و در عقب قله قشون عمده را قرار میدهند یعنی بزرگترین قسمت پیاده‌ها را و ابتدا باید معدود قلیلی از سرباز از زنجیر ساخت قشون عمده را بسمت اجتماع

نگاه داشت زیرا که نمیدانیم آیا دشمن از کدام نقطه حمله می آورد و بعد از آنکه ملاحظه کردیم نقطه حمله او را از زنجیر مخبر از قوت میدهیم و اگر لازم باشد قشون همراه را بچند جزء قسمت میکنیم وقتیکه طول قوت خط بسیار زیاد باشد از ابتدا قشون جمع را باقسام چند منقسم میسازیم

در عقب قشون عمده عقبه کل قرار میگیرد و آن مرکب است از دسته توپخانه هرگاه بواسطه طبیعت زمین دشمن نتواند بر یکی از جناحین حمله ور شود باید این عقبه را در عقب جناح دیگر قرار داد و هرگاه حمله از هر یک از جناحین ممکن باشد عموماً آنرا در عقب مرکز قرار دهند

وقتیکه دشمن نزدیک شد توپخانه شروع باتش مینماید هرگاه توپخانه دشمن زیاد باشد توپخانه ما عقب رفته و دوباره بمحل خود عود نمیکند مگر وقتی که دشمن بعده زیاد شروع ببالا آمدن از شیب نماید و اگر باین طریق حرکت کنیم توپخانه ما پیش از جنگ حتمی خراب خواهد شد وقتی که دشمن بقدر کفایت نزدیک شد مخبران شروع باتش مینمایند و چون مشتر از جا و دشمن نزدیک شود زنجیر مخبران تیر و آتش شدید میشود

وقتی که شروع میشود باین حمله قطعی قشون عمده نیز تا قله پیش آمده شروع باتش مینماید و در لحظه که دشمن نزدیک قله رسید باید بشدت حمله او را رد نمود و در این هنگام دشمن خسته است و بی نظم و یک حمله که طرف ما اساس

خوب باشد بسیار احتمال ظفر دارد خلاصه اگر نتیجه عمل بخلاف مقصود شد و دشمن بر ربوه بر آمد آن موضع مرتفع از تصرف ما خارج شده و اگر دشمن رو بهزیمت نهاد نباید باکمال بی احتیاطی او را تعاقب نمود زیرا که عقبه او پیش چون بی احتیاطی و بی نظمی ما را ملاحظه کنند ممکن است که وقت غنیمت شمرده ما را بزیر آورند و قله را متصرف شوند و اگر بدانیم که دشمن عقبه بزرگ ندارد آنرا تا فاصله زیادی تعاقب کنیم گلوله آنرا باید بقدری تعاقب کنیم که از شیب فرود آید و پس از آن آن را با آتش تعاقب نمائیم

هرگاه دشمن حرکت مدوری کند عقبه سوار باید دفع آن نماید

هرگاه بعقب نشینی ملجاء باشیم عقبه موضع دیگری در عقب موضع خود اختیار کرده و منع میکند دشمن را از اینکه ما را تعاقب نماید در هنگامی که قشون برگشته و بی نظم است

حمله — قبل از حمله باید بجهه شناخت موضع دشمن را بجهه یافتن نقطه که اهم باشد برای حمله واین شناسائی بواسطه گروه سواری میشود هرگاه روی شیب باغ یا خانه یا شیء دیگری مشابه یافت شود ابتدا بسمت آنها حرکت میکنند زیرا که وقتی که این نقاط تصرف شده تکیه گاه خوبی میشود بجهه قشون هرگاه بسمت چند داشته باشیم سعی میکنیم که از قعر آنها حرکت کنیم گاهی اوقات صعود کردن از موضعی که پیش شده باشد اهم از صعود نمودن موضعی است که راست باشد زیرا که در این مواضع سنگها محفوظ است که دشمن کمتر از سایر مواضع قشون گذاشته باشد

وقتی که تنها نسبت به قدری شده میشود که ... نمی‌توانند در طول پس تیراندازی کنند بدون آنکه ظاهر شوند ... اطلاع روانه شده اند باید حتی الامکان بدقت ملاحظه کنند که در چه نقطه سیل و خانه و باغ یافت میشود و در کدام موضع شیب شدید بنظر می‌آید و چه محل ممکن الوصول تر است و نیز باید بدانند که آیا میتوان موضع را از کدام طرف دور کرد و در صورت امکان حمله را از کدام پهلو میتوان بجا آورد و باید حتی الامکان از پهلو حمله نمود و چنان وانمود کرد که گویا حمله از جلو است

مواضع مرتفع عموماً به طبیعی هستند که مجبور نمایند مدافع را در طول ساختن طول فرونت خود بیش از آنچه مناسب است با وسعتش

هر قدر خط جبهه طویلتر باشد بیشتر ... هستند که خطوط نزدیک میشوند و سابقا ذکر رفت که هر که متابعت این رسم کند باکتشاف میتواند دفع کند حملهای از پهلو را

دلیل دیگر بجهة آنکه باید حتی الامکان از جناح حمله نمود اینست که جناح کلیتهً ممکن الوصول تر از جبهه است

توپخانه شروع بمحاربه مینماید در صورتی که حتی المقدور در نقاط مشرفه قرار میگیرد و ابتدا بسمت توپخانهٔ دشمن تیراندازی میکند

وقتیکه توپخانهٔ دشمن خود را عقب کشید به پیاده نظام تیر می‌اندازد.

چون آتش توپخانه اثر خود را کرد زنجیر مخبران پیش میرود و در تعاقبش گروهانهای سبک الحرکت ستون و خط مضاعف حرکت میکنند و

جمیع نقاط مساعدی که روی شیب است تصرف می‌نمایند و دسته‌ها که بقله رسیده می‌باشند و در عقب آنها ستونها و خط مضاعف که در عقب ... قدم بقدم پیش می‌آیند تا آنکه بقله برسند یعنی برسند بکنار دره

کنار دره چون گرفته شد آن موضع تعلق باو دارد

اغلب میتوان حمله کاذب معمول داشت و دشمن را خرج گروه تعاقب کردن و وقتیکه به احتیاط ... خلع کرد و موضع خود را عقبهای مخفی بر سرپیش ریخته او را تا قله تعاقب کنند بدون آنکه فرصت تامل دهند ولی اگر دشمن عمل خود را خوب بداند از این عمل جز خسارت بی فایده صرفه برده نمیشود

هرگز نباید فراموش کرد قرار دادن عقبه کار بجهة هنگامی که حمله سود بخشد توپخانه و سوار در جای خود بمانند تا هنگامی که پیاده نظام دشمن را قدری از کنار دره عقب نشاند

دویم در محاربه سیل

هرگاه در میدان جنگ سیل زیاد یافت شود بسیار مفید است بخصوص وقتی که امتداد شان عموداً باشد بر امتداد حمله این سیلها منع میکند حرکت توپخانه و سواره را و غالب شیبشان چنان شدید میشود که پیاده نظام بصعوبت عبور میکند

وا... حمله و مدافعهٔ آن حسب مثل حمله و مدافعه در مواضع مرتفع است

مفید است بجهة مدافعه و بندرت داخل سنگر یا روی شیب آن قرار میگیرد و عموماً جایش در اطراف است بطریقی که بتواند تمام سطح شیب آتش کند

و باید اگر ممکن باشد معابر را مسدود کنند هر گاه حمله مقتضی شد باید مکانی جستجو کرد که عبور سهلتر باشد و مدتی که از ابتدا قشون حمله را عبور میدهند باید بیاری آتش را چنان شدید کنند که دشمن نتواند بر جا بر سنگر تیر انداز کند

بخش سوم در محاربه رودخانه

رودخانه مفید است اگر بقدری عمیق و وسیع باشد که مانع گردد از تمام جهات معبر دشمن را جز از محلی که پل ساخته اند تقریباً در تمام رودخانه ها مواضعی هست که میتوان عبور نمود و باید اینگونه اماکن را دانسته و در نگاهداری آنها جد و جهد نمود و پس از این در محاربه نیز که طریقه مدافعه است و گذار را دیگر خواهیم نمود و در اینجا بطور کلی گفتگو میکنیم از مدافعه و حمله رودخانه بزرگ که تواند منع کند عبور قشون را در رودخانه کوچک که مانع عبور گردد و عرضش چندین صد یا هزار قدم باشد نمیشود ملاحظه نمود بجهة عبور از رودخانه باید متصرف شد پل یا گذار را یا اینکه پل جستجو نماید و طریقه جسر را زیاد استعمال میکنند چنان بنظر می آید که بسهولت میتوان منع کرد عبور دشمن را از رودخانه و لیکن آنچه از

تاریخ جنگ معلوم شده دشمن همیشه میگذرد دلیل آن این است که مدافع نمیداند از کدام موضع دشمن عبور میکند و ممکن است پیش از اینکه مدافع مطلع شود و قوت خود را مجتمع سازد بجهة بستن معبر دشمن کند و لیکن مدافعه خوب میتواند بستن معبر دشمن کند و مدت مدیدی آن را معطل نماید و همین است مقصود کار از مدافعه نتیجه حاصل کنند

مدافعه

ابتدا خراب میکنند تمام پلها و گذارها را و جمع میکنند تمام کشتیهائی که در روی رودخانه است ولیکن باید حتی الامکان بعضی پلها را خراب نکرده باقی گذاشت باین معنی که پلها را مهیای خراب شدن نگاه داشت تا زمانی که خراب کردن لازم شود بزودی بتوان آنها را خراب کرد

و این پلها بجهة آنستکه سوار روانه کنیم در سمت دیگر بجهة آنکه ملاحظه کند تمام حرکات دشمن را و مراجعت کند وقتی که دشمن بقدری نزدیک رودخانه شود که فرصت توقف باقی نماند

در تمام طول رودخانه قراول بزرگ دکه سوار بسیاری قرار میدهند که حافظه کنند تمام طول ساحل را در نقاطی که زمین مساعد باشد بجهة عبور (ملاحظه کنند در حمله) در عقب قراول بزرگ چند قسمت از پیاده و توپخانه میگذارند و عقب این قسمتها بقیه قشون یک یا چند عقبه بزرگ می بندند

هرگاه بواسطهٔ جاسوس یا طریقهٔ دیگر بشناسیم نقطه را که دشمن میخواهد عبور کند عقبهٔ
بزرگ را در اینجا قرار میدهیم و اگر آن نقطه را نشناسیم باید عقبه را در عقب مرکز
یا نزدیک عمده ترین خط گذرگاه قرار دهیم

دشمن ابتدا چند قسمت قشون با کشتی میفرستد بسمت دیگر رودخانه تا در ساختن پل
اهتمام کنند وقتی که چنین قسمتی را ملاحظه کنیم باید در کمال سختی بر آنها حمله نمائیم و اگر
مقصود حاصل شود و این قسمت قشون را بعقب نشانیم دشمن نمیتواند پل را تمام
کند و قصدش را بیدم بهدر است توپخانه پیاده نباید بر قشون ساحلی دشمن تیر
اندازی کنند بلکه باید بسمت کشتیهائی تیر بیندازند که سوار زمیفرستند
بسمت دیگر

هرگاه پل تمام شد پیش از آنکه مطلع شویم باید سعی کرد در منصرف کردن قشونی که گذشته اند
و توپخانه را امر کرده بخراب کردن پل و اگر بتوانیم بر دشمن از پهلو حمله نمائیم ممکن است
ظفر بیابیم اما وقتیکه پل تمام شد دشمن فتح کرده و نباید برای جمع آوری
قشون و عقب نشستن بجد دیگر معطل شد و الا دشمن خط عقب نشینی را
قطع میکند و قسمتهای پراکنده مدافع را منهزم مینماید

حمله

عمده مطالبی که از برای مبارز لازم است اینست که دشمن را در خصوص اختیار محل فریب
دهد و اختیار محل معهود باید از روی بصیرت باشد ابتدا باید هر طرف

گردد که دشمن را از این طرف رودخانه منع کرد تا از عبور ساکنین را و اگر ممکن
باشد باید آنچه لازم است بجهة ساختن پل حاضر کرد در جائی که میخواهند عبور کنند
و بعد حمل کرد آنها را با کمال چابکی در نقطهٔ حقیقی و حتی الامکان پل را باید
مهیا کرد و در طلوع صبح باتمام رسانید و در حینیکه پل تمام شد باید چنان حرکت
کرد که معلوم شود میخواهند از طرف دیگر عبور کنند و در آنوقت دشمن نمیداند
در کدام نقطه قشون خود را جمع کند و نقاط مفیده عبور مکانهائی است که ساحل
منحنی باشد و تحدبش بسمت مبارز زیرا که در آن حالت آتش مرکزی میتوان کرد بساحل
سمت مقابل و ساحل که بسمت ماست باید مرتفعتر باشد از ساحل دیگر و زمین طوری
باشد که بتوان نزدیک شد بدشمن بدون مرئی شدن و زمین سمت مدافع باید طبیعی
باشد که اول قسمت قشونی که داخل در آن میشود بتواند مدتی در آن توقف کند
اگر چه قوت سمت مقابل اعلا باشد
هنگام عبور در طرفین معبر توپخانه و مهاجران قرار میدهند هرگاه در وسط رود
خانه جزیره باشد در آنجا پیاده نظام و اگر ممکن باشد توپخانه میفرستند و لحظه که
میخواهند پل بنا کنند با کشتیها پیاده نظامهای قابل میفرستند و این قسمتهای پیاده
بسمت مقابل میروند و موضع مرغوبی اختیار میکنند که در صورت امکان دشمن
نتواند ملاحظه کند ولی باید آن مکان طوری باشد که بتوان منع کرد دشمن را
از نزدیک شدن بجائی که میخواهند پل بنا کنند هرگاه دشمن حمله کند باید تقا

بشود با تمام قوتی که داریم زیرا که عقب نشستن ممتنع است مادامی که در هر دفعه
قوت از برای ما میرسد

وقتی که پل تمام شد باید ابتدا پیش جنگی روانه نمود که مرکب باشد از اسلحهٔ ثلثه
و این پیش جنگ بکلی تمام پیش میرود و موضعی پیدا میکند که بقدری دور باشد
از ساحل که قشون عقب بتوانند موضع کافی بجهت خود بگیرند و در مدت جنگ بعد
باید با احتیاط پیش رود و پل را به حامی گذارد و یکنفر را از عقبه باید همیشه نگاه
پل باشد آنچه در باب عمارت بعد از عبور و حالت عمارت تمام آن رود است
در عمارت یکشنبه ذکر خواهیم کرد

چهارم در عمارت جنگل

مصنفین مختلفه نظامی و اهل سپاهیگری در باب عمارت جنگل ذکر کرده اند
و این قواعد مجری نتوانند شد مگر در اروپا در اروپا بسیار نادر است یافتن
جنگل بزرگ ولی بخلاف در همه مواضع جنگلهای یافت میشود که چند فرسخ عرض
و طول دارند و جدا گشته اند بواسطه زمینهای مزروع در ایران و در قطعات ممالک
آسیا حالت مختلف است و در همه جا جنگل یافت نمیشود ولی در مواضعی
که یافت میشود جنگلهای هستند بی نهایت بزرگ که متوطنین ایشان
بقدری کم و نباتات جنگل ایشان بقدری زیاد است که عبور قشون را بسیار مشکل

نماید

مینماید و نمیتوان قواعد مخصوص قرار داد بجهت عمارت در این جنگلها و عمارتی که در جنگل
اتفاق می افتد بسیار مشکل است و رؤسا و سربازان باید تجربه زیاد داشته
باشند

چون جزو اعظم قشون ایران جنگل ندیده اند بهتر آن است که از عمارت کردن در جنگل
اجتناب کنند و هر گاه لازم شود که منع کنیم عبور دشمن را از جنگلهای ایران
بهتر آنستکه از متوطنین این جنگلها و از آن اجزائی از قشون که تعلق باین سرزمین
دارند قشون مخصوصی ترتیب داد و این قسمت قشون هر گاه با زبرکی و جرئت
حرکت کنند بسیار خطرناکتر میشود برای دشمن از هر قشون منظمی ولکن چون ممکن است نتوانیم
اجتناب کنیم از عمارت جنگل پس قاعده کلی چندی ذکر میکنیم

اولا باید هر صاحب منصبی حتی الامکان سرباز خود را نگاه دارد و چون بسبب
اشکال زمین مجبورند در متفرق شدن اگر دقت زیاد نکنیم در بیجاعت تمام
قشون متفرق میشود و بسیاری گم میشوند و ما بقی نمیتوانند منع کنند دشمن را
از گذشتن از خطوط و رفتن در خط عقب نشینی و نیز باید بسیار دقت کرد
در منع دشمن از حرکت کردن بسمت جناحین چنانچه برای این بسیار آسان است
هر گاه همراه خود اشخاصی داشته باشد که حالت زمین را بدانند

خلاصه باید علیحده شمرد جاهای مناسبی را که پیدا میکنند جهت ایستادن جمع شدن
وصف کشیدن و این مواضع عبارتند از جنگلهای تراشیده که

وسعتی هم داشته باشند (یعنی مواضعی که بسببی از اسباب طبیعی از اشجار باشند)
مانند رود خانها و جادها . در پشت خندق ترا ایشده میتوان خیلی مقاومت با
دشمن نمود و نگذاشت بمحل متصرفه عبور کند

سواره در خندق پیاده است و توپخانه باید حتی الامکان در جاده یا در رود خانها حرکت
کند و هر گاه ممکن باشد تکیه دهد اقلاً یکی از جناحینش را برود خانه

پنجم در محاربه تنگه

اختصاصی که محاربه تنگه در علوم نظامی دارد این است که ممتنع مینماید گذشتن را
با قشون طویل و با جمعیت کثیر یکدفعه محاربه تنگه بسیار صعب است برای مبارز
و بسیار مفید بجهة مدافع تنگهائی که اغلب ملاقات میکنند معبر رود و کوه است
و اما آنچه گفتگو میکنیم از معبر رود

در مدافعه معبر رود مدافع میتواند در جلو یا در عقب تنگه قرار گیرد قرار گرفتن
در جلو تنگه بندرت اتفاق می افتد زیرا که بواسطه این توقف تقریباً تمام قشون
که برای مدافع دارد تلف میشود و تنگه می پوشاند خطر عظیم را در صورتی که
شکست خورده باشیم ملاحظه اینکه عقب نشینی با کمال نظم تقریباً غیر ممکن است پس
تنگه در جلو قرار میگیرند وقتی که بواسطه دلیلی لازم باشد بتوانیم با آسوده گی از
طرفی بطرف دیگر رود خانه رویم

اگر بخواهیم در جلو تنگه قرار بگیریم باید چند قلعه در آنجا بسازیم که سهل کند عقب
نشینی لازمه را پس از آن قشون را بقسمی قرار میدهیم که خط دستبان شکل
نصف دایره شود و جناحین متکی گردد برود خانه و عقبه های قوی قرار گیرد در پل
تنگه و عقبه قرار میدهیم در طرف دیگر تنگه که در وهم آخر منع کند عبور دشمن را
قبل از منظم شدن قشون عقب نشسته

در وقت عقب نشینی باید مدت مدید معطل شوند و باید آنها وقتی شروع کنند
که فتح کردن مشکل شده باشد اجزاء قشونی که بر آنها حمله وارد نیامده عقب می
نشینند پس از آنها سایرین بعقب میروند هرگاه دشمن از مرکز حمله کند
قسمتهای جناحین شروع در عقب رفتن مینمایند

توپخانه و سوار قبل از پیاده عقب میروند و بلا فاصله در طرف دیگر تنگه قرار
میگیرند و کلیه محل آنها در عقب تنگه است در طرفین تنگه و در طول رود خانه
پیاده نظام جای میگیرد هرگاه روی زمین پناهی نباشد باید جان
پناه ترتیب داد قدری عقب تر ستونها قرار میدهند جهة اینکه حمله
بیاورند بر دشمن هنگامیکه از تنگه خارج میشود و در عقب این قسمتها توپخانه قرار
میدهند بطوریکه یک قسمت بطرفین تنگه رود و یکقسمت در امتداد آن قرار
میگیرد هرگاه زمین بجهة سوار خوب باشد باید آنرا طوری قرار دهند که بتوانند
حمله کند بر دشمن هنگامیکه از تنگه خارج میشود اگر زمین بجهة سوار مطبوع باشد

باید با عقبه جمع شد و باید همیشه گزمهٔ سوار فرستاد تا آنکه ملاحظه کند که مبادا دشمن از محل دیگر عبور کرده از پهلو بر ما حمله کند

در حملهٔ معبر رود — هرگاه دشمن در عقب رود باشد حمله کردن بسیار مشکل است و عموماً نمیتوان بهره مند شد مگر آنکه توپخانهٔ ما بسیار زیادتر باشد از توپخانهٔ دشمن

توپخانه شروع بجنگ مینماید در صورتیکه جای کمی در طرفین رود و در طول رودخانه زنجیر مخبران قرار میدهند و بواسطهٔ آتش توپخانه و زنجیر مخبران باید چنان قوت کرد بر دشمن که موضع خود را از نزدیکی رود خلع کند یا آنکه چنان آتش فشانی نمود که دشمن نتواند سر خود را از پناه خود خارج کند

وقتی که مطمئن شده ایم از آتش ستونی از پیاده روانه می کنیم در داخل رود که با کمال تندی بدود تا طرف دیگر بدون آنکه در راه بجهت تیر اندازی توقف نماید در عقب این ستون سرباز چند پس حرکت میکند بجهت آنکه [illegible] موانعی که دشمن در سمت دیگر میگذارد

(ملاحظه کنید قلعه سازی فوری را) بعد از این ستونها ستونهای دیگر حرکت میکنند هر یکی بفاصلهٔ هشتاد تا صد قدم همین که گذشتند باید در جلو رود بشکل نصف دایره قرار بگیرند و بعد از پیاده نظام توپخانه و سواره حرکت میکنند

هرگاه از حملهٔ اول کاری از پیش نرفت گلوله نباید در آن زود حمله کرد زیرا که بسیار کم اتفاق می افتد بهره مند شویم

هرگاه دشمن در جلو رود باشد حمله کردن آسانتر است و باید حمله را با چنان شدت و جلادت مجری داشت که بتوان از رود گذشت در جنگ که دشمن بعقب می نشیند زیرا که در آن حالات منع میکند از تیر اندازی دشمنی را که در ساحل دیگر است پس باید همیشه از راهی حمله کنیم که بسیار زود برسیم به رود

در مدافعهٔ تنگهٔ کوه — مدافعهٔ تنگهٔ کوه بسیار سهل است در معبرهای بزرگ همیشه آب جاری است و اضافه بر این معابر راههای کوچک هست که پیاده منفرد میگذرد نه قشونی که بصورت جنگ باشد قشون دشمن همیشه از معابر بزرگ حرکت میکند ولی در همان هنگام از آن راههای کوچک قشون پیاده روانه میکنند پس اول کاری که باید کرد جهت مدافعهٔ معبر سلسلهٔ جبال این است که معرفت پیدا کنیم بتمام معابر ممکنه و در آنها قشون قرار دهیم و وقتی که تنگها کم وسعت باشند و گذشتن از آنها صعب در دهنهٔ تنگه قرار میگیرند و انتخاب میکنند موضعی را که مشکل باشد [illegible] میکنند آنها را جهت عبور بانکه سنگهای بسیار بزرگ و غیره در آن قرار میدهند در اوقات قلعهٔ کوچک میسازند و در عقب آن معدودی سرباز قرار میدهند و هر قدر بتوانند بر عدد سربازها بیفزایند

راه هرگز نقطهٔ ارتفاع منتهی نمیشود و در پهلوی راه کوه پارهای بزرگ یافت میشود که

برآن و در روی این کوه پاره‌ها چند نفر آدم گذارند در مواضع مشکله راه منتهی به رودخانه
آب تیز کشیده چند نفر تیرانداز مأمور شد محض آنکه سرکشی کند سیراب را و موضع باید
بطوری منتخب شود که اقلاً تا چندین صد ذرع راه مستقیم باشد وقتی که دشمن
نزدیک می‌شود شلیک سختی میکنند و آنهائی که بر روی آن کوه پاره‌ها هستند سنگها را
بزیر می‌افکنند

هرگاه محل توقف را خوب انتخاب کنند و خوب قراول کشند بخصوص در شب چند صد نفر
کافی است بجهة منع عبور قشون مخصوصاً اگر بتوان چند عراده توپ بالای کوه برد و بس
بجهة مدافعه معابر قشون زیاد لازم نیست ولی دشمن همیشه معبر کوچکی پیدا میکند که مدافع
از احوالش بی‌خبر باشد و از آن معبر چند قسمت قشون مأمور است که موضع مدافع را
گیرد در معبر بزرگ و او را مجبور کند به عقب نشستن

قشون عمده باید در عقب تنگه بزرگ که به راه دشمن عبور خواهد کرد قرار گیرد
و قسمتها شکل نصف دایره باشند تا آنکه بتوانند حمله مرکزی مجری دارند وقتی
که دشمن از تنگه بیرون میآید و واضح است که مدافع غنیمت را میبرد. در صورتی
که دشمن بخواهد قسمتهای بسیار کم قشون روانه کند بسمت تمام قوت مدافع
و این هنگام شبیه است به آن هنگامی که دشمن از پل میگذرد ولی بنا بر بسیاری
از جهات حمله مشکل‌تر است

در حمله تنگه کوه — این حمله به نهایت مشکل است نسبت به دشمن قوی این حمله آ

بی‌فایده است و باید سعی کرد در تصرف موضع دشمن غفلتاً و آنرا بخصوص در شب تاریک
است بجهة این حمله اشخاص زیرک با تفنگهای خالی پیش مأمور شوند (بجهة اینکه بسبب
اتفاق صدائی از آنها احداث نشود) این اشخاص با کمال احتیاط به موضع مدافعه نزدیک
میشوند و در رسیدن بمقصد خود را با کمال سرعت می‌اندازند بسمت مدافع و بنا بر حمله
میکنند ولی در صورتی که مدافع درست متوجه خود باشد چندان احتمال قوی نیست
در فتح کردن آنها و باید در آن حال معبری جستجو کرد که اسباب مدافعه نداشته باشد
از آنجا چند قسمت قشون کاری روانه کرد تا آنکه بر دشمن از عقب حمله کنند و معبر را
باز نمایند و معابر کوچک را در وقت ضرورت میبایند کلیتاً وقتی که پیاده از ساکنین آنجا
همت پول دهند و وقتی که از تنگه عبور کردند باید از آن بیرون آیند و این مشکل است
و قسمتهای اول که خارج میشوند با جلدی هر چه تمامتر خود را بسمت چپ و راست متمایل از
و سایرین آنها را تعاقب مینمایند و مقتضی آن نیست که به پیش حرکت کنند بلکه اغلب
ممتنع است آن عمل و باید با کمال جلدی طول فرونت را وسعت داد محض آنکه
بتوان اجتناب نمود و برابری کرد با آتش مرکزی دشمن

هشتم در محاربه خانه‌های منفرد

عموماً خانه منفرد در باغی یافت شود که دور اطرافش دیوار است پس محاربه اول در
باغ اتفاق می‌افتد و خانه مثل قلعه کوچک است که مدافع در آنجا میرود وقتی

که قلعهٔ بزرگ از تصرفش خارج شده یک چنین قلعهٔ کوچکی که داخل قلعهٔ
بزرگ واقع باشد مأمن گویند

مدافعه یک خط از زنجیر مجبران در عقب دیوار باغ تیراندازی میکند بر دشمن
بواسطهٔ مشغول و در خانه پشت هر پنجره دو یا سه نفر سرباز قرار میدهند و یک
عقبه در پشت باغ میگذارند محض اینکه دشمن موضع را در نکند

اگر توپخانه و سواره داشته باشیم در میان باغ یا خانه قرار نمیدهیم
(خانه که بسیار بزرگ باشد مستثنی است) بلکه آنها را قرار میدهیم در طرفین باغ محض
اینکه عقب نشینی آسان باشد وقتی که دشمن باغ را متصرف شد زنجیر مجبران میرود
در داخل خانه یا اینکه خود را بعقبه ملحق میکند و عقبه در هنگامی که دشمن بسمت
باغ حمله میکنند بنوبهٔ خود حمله بر دشمن نماید هر گاه دشمن
توپخانه داشته باشد خانه مقاومتی نخواهد داشت ولی اگر توپخانه نداشته باشد
بقدری میتوان نگهداری کرد که آب و آذوقه در آن موجود است در صورتیکه از پیش در آن
مدافعه کنند و خانه باید ساخته شده باشد بجهت مدافعه از قرار قاعده که در قلعه
سازی فوری مذکور است

در حملهٔ خانه هر گاه توپخانهٔ ما ممتازتر باشد از توپخانهٔ دشمن این حمله آسان است
و قلیل زمانی کافی است جهت خراب کردن دیوارها و مجبور نمودن دشمن در خلع
خانه اگر توپخانه نداشته باشیم کار بسیار مشکل است و باید اگر ممکن باشد صبر کنیم

از

وشب باحتیاط تمام نزدیک بشویم و در رسیدن بدیوار بسرعت و سختی جنگیده
و در و پنجرهها را با تبر طویل بشکنیم یا اینکه در [illegible] آتش
در را خراب کنیم

هفتم در محاربهٔ دهات

موضع را اغلب طوری انتخاب میکنند که در آن یک یا چند ده واقع شود زیرا
که ده بجهت مدافع نقطهٔ تکیه گاهی میشود که اغلب اهمیت بزرگی بروز میدهد
مدافعه — اغلب دهات محدود شده اند بدیوار و این دیوارها اساس
موضعی که باید انتخاب کرد و اگر دیواری موجود نباشد موضع خود را روی
زمین انتخاب میکنند و قبل از جنگ محوطه را باجزاء قسمت میکنند و هر یک
تا دویست و پنجاه قدم طول داشته باشد هر جزئی مدافعه میشود بیک گروهان و گروهان
مدافع زنجیر مجبرانی در عقب دیوارهای محوطه قرار میدهد و مابقی را در عقب
از خانههای نزدیک میگذارند در داخل ده نیز چند گروهان میگذارند جهت
عقبهٔ آنها که مدافعه میکنند در محوطه و از ابتدا انتخاب میکنند خانهٔ که مستحکم
باشد (عموماً آن خانه باید خانهٔ بزرگ ده باشد یا مسجد) بجهت مأمن
و در آنجا قرار قوتی سی تا صد نفر سرباز میگذارند و مأمن باید مدافع باشد اگرچه
تمام ده را هم گرفته باشند زیرا که آن آسانتر میکند پس گرفتن ده را دوباره

مُدرتا توپخانه میگذارند و قرار میدهند آنرا در طرفین آن بطریقی که مدافعه کند پهلو
وپیش را بواسطهٔ آتش ثابت در عقب ده عقبهٔ پرقوتی از پیاده وسواره و توپخانه
میگذارند این عقبه باید منع کند دشمن را از دور کردن موضع و بعقب نشاندن آنرا
وقتیکه داخل شد در ده و بقدری پیش آید که مدافع قوت مقاومت با تمام
توپخانه که در طرفین ده است باید وقتی که آتش توپخانهٔ دشمن شدید شد بعقب
نشینند و هنگامیکه پیاده نظام دشمن شروع بحمله حتمی کرد بجای خود رود
وقتی که دشمن در ده داخل شد رشته جنگ عاده میشود از خانه بخانه و چون ممتنع است
فرمانده کل فرمان دهد در اینکه جنگها پس وراینجا باید فرماندهان جزء و سربازان در
تعلیم شده باشند وقتی از جنگ باید سعی کنند در اینکه ده را متحصن کنند و از برای
آن عمل باید بقلعه سازی فوری رجوع کنند

حمله — مدافع آنقدر غنیمتش زیادتر از مبارز است که باید حتی الامکان اجتناب
کرد از حمله کردن برای آن هرگاه بتوانیم باید ده را دور کنیم و الا باید سعی نمود در خراب
کردن آن بآتش توپخانه و اگر چنانچه این عمل هم ممتنع باشد مجبوریم بحمله کردن
توپخانه شروع بحمله نماید در حالتیکه آتش فشان میکند بسمت توپخانهٔ دشمن
وقتی توپخانهٔ دشمن خود را عقب کشید بسمت مدخل ده و بسمت نقاطی که می
خواهند حمله کنند تیر می اندازد. بعد از آن مخبران از چندین طرف دفعتاً
حرکت میکنند بقسمی که مدافع نفهمد بسمت کدام نقطه حمله اصلی میشود عقب سر مخبران

گردان

گردانهای بحالت ستون با خط مضاعف حرکت میکنند و عقب آن ستونها ستونهای
نصف باطالیان و ستونهای باطالیان حرکت میکنند جهت اعانه تعاقب
زنجیر مخبران سرباز با بیل و تبر و سایر اسباب لازمه روانه میکنند بجهت خراب
کردن موانعی که مدافع برحسب اتفاق تمام نموده و حمله را بسمت مدخل و گوشه‌های
دیوار و بسمت نقاط خروجی معمول میدارند و بمحض داخل شدن در خانه‌های
اوّل مسکن میکنند بجهت مقاومت بر حملهٔ دشمن ستونهای بزرگ از ده
ده عبور میکنند بجهت ملاقات عقبهٔ دشمن و مسکن میکنند در طرف دیگر ده
و نباید خارج شوند و تعاقب کنند عقبه‌های دشمن را قبل از اینکه تمام ده را
طوری گرفته باشند که بتوانند مدافعه کنند رد حملهٔ او بجهت سرعت تصرف
مأمن چند عرّاده توپ در داخل ده میآورند در خارج ده همیشه عقبهٔ پرقوتی می
گذارند بجهت اینکه دشمن را متوقف سازد و حمله را تجدید کند هرگاه از حملهٔ
اوّل سهوی کرده شود

هشتم شهر یاغی

وقتی ملاحظه شد که اهل شهری خیال یاغیگری دارند باید کوشش کرد در جمع (در این)
اگر قشون فراوان داشته باشیم جمیع مدخلهای شهر و خانه‌های اصلی هر محله را
تصرف میکنیم و گردشهای متعدد در تمام کوچه‌ها میفرستیم و منع می
کنیم اجتماع ساکنین و عبور از کوچه‌ها را از غروب تا طلوع آفتاب

هرگاه قشون متعدد نداشته باشیم یک محله شهر را تصرف میکنیم و از آنجا تمام
کوچه‌ها را می‌گیریم گاهی اوقات موضع متصرفه را در خارج شهر قرار میدهند
و قسمی آنرا انتخاب میکنند که موضع توپخانه را مشرف باشد بر شهر

هرگاه یاغی گری بروز کند سهلترین طریقها آنستکه نسبت بشهر بقدری خمپاره
اندازند که خود تسلیم شوند هرگاه نخواهند شهر را بسلیک خمپاره خراب کنند باید در
کوچه‌ها جنگ کنند اشخاص یاغی در تمام کوچه‌ها سنگر میسازند و اگر این سنگرها بعلت
بدی اسلحه مدافعه شان قوتی نداشته باشد میتوان با نیزه حمله کرد بر آنها ولی
کلیتاً با کلنگ یا کیسه باروط دیوارها را سوراخ و خراب کرده از داخل
خانها عبور میکنند و وقتی خانه متصرف شدند که مشرف باشد بر یکی از سنگرها
آن سنگر بی مصرف میشود بعدا باید یک کوچه را دفعتا بتصرف درآورد و باید بطور
تمام محله را متصرف شد هرقدر منتظم تر این جنگ را مجری دارند بهتر بمقصود میرسند
و حتی الامکان از اطراف داخل میشوند در شهر دفعتا و بنابراین یاغیان را احاطه می
کنند و در آتش مضاعف محاصرشان مینمایند و در این محاربه اسیر نباید گرفت
بلکه کشت و دفع نمود هر کس را که مشاهده میکنند تا آنکه تمام شهر متصرف شود پس مشتعل شهر
ساکت میشود

فصل هشتم

در محاربه مامورین جزو

مامورین جزو عبارت از قسمت کوچکی هستند که جدا میشوند از قسمت و بجهت
اجرای بعضی از اعمال پس از آن مراجعت کرده بقسمت بزرگ ملحق میشوند و
اعمالی را که این قسمت برای اجرای آن فرستاده میشوند از این قرار است حمله
غافل و اطلاعات و کمین و تحمیل علوفه و آذوقه و کاروان نظامی عده مامورین
جزو ممکن است بسیار تغییر کند ولی عموما مرکب از چند صد نفر

مامورین جزو میتوانند مرکب باشند از پیاده یا از سواره یا اینکه پیاده و سواره با هم
و بندرت با توپخانه باید همیشه بجهه آن قسمت منتخب کرد قشون منتظم و با تجربه و تعلیم
شده که بزودی خسته و بی پا نشوند

حمله غافل

وقتی که خواهند غفلتا بر سر دشمن بریزند باید بکلی و بطور مخفی باو نزدیک شوند
لهذا عموما این نوع حمله را در شب مجری میدارند میتوان این عمل را نیز در روز
معمول داشت بخصوص روز منقلب و طوفانی از قبیل برف و باران شدید و غیره
جمیع قسمتهائی که باید حمله مجری دارند از یکراه حرکت میکنند
حرف زدن و خواندن و استعمال دود و جمیع چیزهائی که باعث مخبر شدن دشمن
میشود ممنوع است رسیدن در موضعی که باید حمله مجری شود میتوانند منقسم شوند
و از جهات عدیده دفعتاً حمله کنند
بطور اول مامورین جزو تفنگ خالی نمیدهند مگر اینکه زود تر تیراندازی کنند و پیش

ازاینکه تقسیم شده عقبه گوناگون در موضع مساعدی قرار میدهند تا اینکه تا ثیر آن قسمتها
جمع شوند وقتی که عمل تمام شود دسته‌جات باز سنگرهای میسازند که فاصله مابین
قطارها بسیار کم باشد وقتی پیش قراول دشمن ملاقات میکند دفاع با آتش
مناسب نیست بلکه او را گرفته حبس میکنند یا اینکه با اسلحه قطاعه پیش میاورند و حمله را با کمال
شدت مجری میدارند در هنگام حمله مطلقا درنگ جایز نیست تا عمل تمام شود
هرگاه دشمن در ده منزل کرده باشد ابتدا قراولها و صاحب منصبان را میگیرند بعد
از آن یکجا از داخل ده عبور میکنند و مدخلهای سمت دیگر را نگاهداری مینمایند هرگاه
دشمن در اردوی موقت بی چادر یا در اردوی بزرگ با چادر باشد ابتدا اسلحه و اسبها را
متصرف میشوند
هرگاه حمله را در مدت حرکت دشمن معمول دارند باید از پهلو را و حمله کنند و اگر
ممکن باشد حمله میکنند هنگام عبور دشمن از تنگه یا از ده یا از موضع دیگری
که زمین مقتضی نباشد تغییر وضع و حرکت او را پس از غلبه بر دشمن و حصول
مدعا تصرف میکنند نه دشمن را آنچه میتوان حمل کرد و موجب منع شدن حرکت
نمیشود همراه خود میبرند و آنچه نمیتوان با آسانی حمل نمود خراب و ضایع میکنند
بخصوص اگر اسلحه و تدارک جنگ و آذوقه باشد

اطلاعات

مقصود از اطلاعات آنستکه معرفت پیدا کنیم بقوت و موضع دشمن اطلاعات بر

دو قسم

دو قسمند اطلاعات آشکار و اطلاعات مخفی اطلاعات آشکار سپاهی آورده
میشود بطور حمله غافل لیکن با قوت شدیدی که برابر کنند نمیتوانند مانند حمله
غافل را ببرند خلاصه حاصلی که ازین عمل میخواهند آنستکه بطوری حرکت کنند
که دشمن گمان جنگ سخت کند و قشون خود را در موضع جنگ گذارد تا آنکه
با معرفت پیدا کنیم بقوت و موضع او اطلاعات عموما در اول روز میشود
از همه مشکلتر عقب نشستن است که باید بکمال چابکی مجری شود تا آنکه دشمن تعاقب
ملاحظه کند چگونگی این حمله را و نیز باید زمان حمله را بقدری طول داد که منظور حاصل
شود

کمین

گاهی اوقات در زیر و یا راه دشمن قسمتی مخفی میکنند و وقتی که دشمن گذشت
از جای خود خارج شده ناگهان از او هجوم مینمایند و نیز اینها را کمین مینامند امر
که بتوانند مخفی سازند قشون را میتوانند نامند کمینگاه استعمال شود از این قبیل است
جنگلها و باغها و خانهائی که در زیاد داشته باشند و زمینی که بسیار ناهموار
باشد و همچنین مزرعه که گندم داشته باشد کمینگاه باید در جناح دشمن
واقع باشد و بتوان با آسانی از آن خارج شد بسیار نادر است که در این
مواضع توپخانه استعمال کنند و اگر ممکن باشد پیدا کنیم موضعی که بتوان سواره مخفی
نمود البته ترجیح دارد زیرا که در حین حمله غافل قوت و ارزش زیاده ا

از اندازه است لیکن اصلح آن است که منحصر به پیاده نظام باشد زیرا که مخفی نمودن این اسلحه کمال سهولت دارد و نیز واقف در کمینگاه همه باید ساکت باشند و احدی بدون اذن سرکرده بیرون نرفته

و قراولها باید در جائی قرار گیرند که دشمن نتواند مشاهده نماید و نباید حکم حمله قبل از آنکه یک قسمت از قشون دشمن گذشته باشند و بعد با کمال قوت و شدت بر دشمن حمله ور شوند همینکه دشمن بی نظم شد خود را عقب خواهند کشید و نباید در این حین تعاقب نمود دشمن را زیرا که بسیار اتفاق افتاده اگر قوت دشمن زیاد باشد کلیتاً این قسمت را قلع و قمع نموده و اثری باقی نخواهد گذاشت و هرگاه پیش قراولان دشمن را مشاهده کنند باید بلا تأمل از کمینگاه بیرون آئیم و حمله کنیم اگرچه مقتضی نباشد و با این قاعده میتوان غالباً غنیمتی برد

تحصیل علوفه و آذوقه

وقتی که مأمور میباشند قشون را به ده یا موضع دیگری از برای تحصیل آذوقه و علوفه اهالی و حیوانات از روی تعدی بفرستند تحصیل علوفه و آذوقه گویند در [نزدیکی] دشمن مأمور میباشند قسمتی را همراه مکاری تا مدافعه نمایند آذوقه و [مکاری] و مستحفظ آنها باشند

این قسمت میروند در موضع معینی و با مکاری قسمتی قرار میدهند و پیش میروند

تا متصرف شوند مثل قصد مشترک با دشمن در جائی که آذوقه حمل میشود و مأمورین [جزء] سمت دشمن می‌شتابند و در آنجا بقدری مقاومت میکنند که حملها را [همراهی] گردند همراهی عقبه که مأمورین جزء قرار داده بودند در ده و در آن وقت مأمورین جزء بطور بطؤ عقب آنها میروند و بفاصلهٔ از حملها حرکت میکنند که دشمن نتواند هم را آذوقه و هم را مأمورین جزء دفعتاً حمله آرد

هرگاه در هنگام تحصیل و جمع آوری آذوقه دشمن نزدیک شود و قوتش بقدری باشد که ممتنع باشد عقب نشاندنش فرمانده فوراً حکم میکند مکاریها که خارج شوند با هر قدر آذوقه که تصرف کرده اند و پس از آن مأمورین جزء حتی المقدور دشمن را نگاهداری میکنند تا آنکه بقدر کفایت مکاریها پیش روند و فاصله با این حاصل شود که از خطر دشمن ایمن گردند

کاروان نظامی

در مدت جنگ همیشه بقشون تدارک و آذوقه و لباس و اسلحه و غیره میفرستند و قشون نیز زخمی و مریض و اسیر روانه میکنند حال اگر این حمل و نقل در موضعی بشود که رسیدن دشمن ممکن باشد کاروان قسمتی بجهة معاونت روانه میکنند و جمیع را کاروان نظامی می‌نامند

مدافعه کاروان نظامی — مدافعه کاروان نظامی بسیار مشکل است زیرا که

که قسمت معین بسیار ضعیف است و میداند دشمن از کی و کجا حمله خواهد کرد کاروان
نظامی محکوم بحکم صاحب منصبی است که در اطاعتش عده ای از سوار است و عدد
این سوارها باید اقلاً بقدری باشد که هر چهار قاطر را کمتر مواظبت کند این سوارها در
مدافعه معین مداخله میکنند بلکه شغلشان این است که مجبور نمایند مکاری را در اجرای حکم
صاحب منصب و مخصوصاً منع نمایند آنها را از فرار کردن وقتی که دشمن نزدیک
میشود کاروان نظامی را بچند جزء قسمت میکنند که بفاصله زیادی از یکدیگر حرکت
ننمایند و گرنه در تمام قافله میتواند اغتشاش بهم رسد از افتادن یک دو قاطر
هر جزء قافله یک رئیس دارد قافله باید بواسطه یکدسته مأمورین جزء سواره و پیاده
دفاع نمایند و این مأمورین باید در تمام امتداد خط قافله پراکنده باشند بلکه
لازم است مجتمع شوند یکجزء از سواره گزیده میشوند که از هر طرف بفاصلهای
زیاد حرکت میکنند و تمام اراضی را تفحص و تجسس مینمایند و بقیه قشون تقسیم میشوند
بدو جزء جزء ضعیفتر (تقریباً ربع تمام قوت) در پهلوی کاروان میمانند
و باقی در جاهائی که میتوان منتظر حمله دشمن شد حرکت میکنند بفاصله که بر کاروان
عقباً حمله نشود
هرگاه در سمتی زمین بسته و در سمت دیگری زمین مکشوف و نقطه معین بسیار است در
زمین بسته حرکت میکند مواضعی که خطرناک دارند تنگه است و بیکدیگر اتصال کاروان را
جزء آخر از تنگه در نصف روز اند کرا اتراق مینمایند و در شب حرکت میکنند

در

و در موضعی اقامت میجویند که مدافعه آسان باشد و هرگز در شهرها و در دهها منزل
نمیکنند زیراکه کاروان از اینمواضع نمی تواند فرار کند و مستحکم ملاقات دشمن
اگر ممکن باشد از راه دیگر میروند و الا حتی المقدور موضعی را اختیار خواهند کرد
که مدافعه آسان باشد بعضی از اوقات قسمت معین پیش میروند موضع بموضع
و کاروان جاهای اقامت قبلا می گیرد و توقف مینماید تا آنکه قسمت معین موضعی
دیگری را اختیار کند
سرکرده قسمت معین باید بخاطر داشته باشد که همیشه خیال دشمن این است که حمله
نماید و او را از مکاری بواسطه حمله کاذب پس باید مطلع شود بر دشمن قبل از پیش رفتن
و تعاقب کند وقتی او تعاقب کرده و دشمن میرسد هر گاه ممکن نباشد استخلاص کاروان باید
تمام او را برپا و ضایع ساخت که بعد از تصرف دشمن بلا مصرف باشد
حمله بر کاروان [illegible] اغلب صعوبتی ندارد هر گاه قشون زیاد داشته باشیم اسکورت را
بمعین حمله مینمائیم با یکجزء و جزء دیگر را به تصرف مکاری مأمور می سازیم
چون غالباً اتفاق می افتد که قشون متوقفه در اینوقت کمین میکنیم تا آنکه
قسمت معین را با حمله کاذب در یکجا نگاه میداریم و بتصرف مکاری می پردازیم
موقع مطلوب حمله بر کاروان آن دمی است که میخواهد از تنگه عبور نماید اغلب
میتوان تصاحب کرد در یک جزء از کاروان را در آنصورت که قسمت معین
در طرف دیگر تنگه واقعست

نباید حاصل و مسیرات را گشت زیرا که لازمست تا آنکه ما خودات و متصرفات را
که گرفته ایم حمل سازیم و باید مکاری را حفظ کرد که در هنگام عمار به فرار
نکند و هرگاه نتوانیم همراه ببریم باید بی تصرفشان سازیم
حمله بر مکاری جایز نیست وقتی که معین در جائی باشد که نتواند مدافعه نماید
در آنقدر از زمان که آنها را از خطر ایمن سازد
بر مکاریانی که حامل مریض و زخمدارند حمله جایز نیست از بابت تضییع وقت
زیرا که ازین اشخاص دشمن طرفه فایده نخواهد برد
و بالعکس پیوسته حمله میکنند بر مکاریانی که حامل اسیر دشمن میگیرند و این حمله بسیار لازم است
ملاحظه آنکه خود اسیران گرفتارشان پیش از کارزوان است و بعلاوه امدادی کنند

تمام شد جزء اول سید الاقل عبد الغفار همدانی





درس تاکتیک



